

بخش اوّل

کلیّات

مقدمه

یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تحصیلی، شناسایی و شکوفاسازی استعداد های دانش‌آموزان در عرصه‌های مختلف است. بروز استعدادهای مستلزم ایجاد شرایط و موقعیت‌هایی است که نظام آموزشی بتواند تحت آن، توانایی‌های ذاتی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را بشناسند و به ظهور و بروز آن‌ها کمک کنند.

رشد و توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی و ایجاد شرایط برابر برای تمامی کودکان و نوجوانان به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی از اهداف عمده‌ی انقلاب اسلامی بوده و خصوصاً در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. براساس ضرورت‌های ذکر شده، زبان فارسی بنابر اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زبان رسمی و کلید فهم ذخایر ارزشمند علمی و ادبی تمدن ایرانی - اسلامی و از ارکان هویت ملی و فرهنگی ایرانیان است. طراحی، تدوین و تجدید نظر اصولی در برنامه‌های درسی و بالابردن کیفیت و کارایی آن‌ها یکی از ضرورت‌های مسلم نظام آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه است. به کارگیری علمی و عملی اصول و معیارهای دانش برنامه‌ریزی درسی، در طراحی، اجرا و ارزش‌یابی، باعث تعمیق و توسعه‌ی منطقی محتوای مورد نظر می‌شود؛ در نتیجه، امکان تحقق اهداف را افزایش می‌دهد و به همسو شدن محتوا با نیازهای این گروه از دانش‌آموزان و انتظارات جامعه می‌انجامد.

زبان فارسی حافظ وحدت و هویت ملی کشور و سبب اعتلای رشد فرهنگی و اجتماعی مردم میهن ماست. درس فارسی در برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی از اهمیت فراوان برخوردار است؛ زیرا علاوه بر موارد مذکور در یادگیری دروس دیگر از قبیل ریاضی، دینی، علوم و... نیز تأثیر به‌سزایی دارد.

به منظور تحقق نکات یاد شده و هم‌چنین آموزش، ترویج و گسترش مهارت‌های زبانی، برنامه‌ی حاضر با توجه به رویکردهای نوین آموزشی، علوم زبان‌شناسی، زبان‌آموزی و ویژگی‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تدوین شده است و هدف آن، توسعه و تعمیق منطقی یادگیری زبان و مهارت‌های وابسته به آن است. در این جهت، کوشیده‌ایم تا ضمن منطبق ساختن محتوا با نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان، طراحی برنامه‌ی درسی به گونه‌ای باشد که حرکت محتوا از محیط نزدیک دانش‌آموزان

شروع و به محیط دورتر تعمیم یابد؛ به عبارت دیگر، این عامل روان‌شناختی در تنظیم ترتیب و توالی محتوا به‌عنوان یک اصل اساسی همواره مورد نظر برنامه‌ریزان بوده که ابتدا مسائل به‌صورت عینی (ملموس) و سپس انتزاعی (ذهنی) در تدوین ارائه شود.

ضرورت و اهمیت درس زبان و ادبیات فارسی

زبان وسیله‌ی تفهیم و تفاهم و ابزار ارتباطی افراد بشر در جامعه است. هم‌چنین زبان، وسیله‌ای برای نشر و گسترش تمدن و فرهنگ هر جامعه است. انسان به یاری زبان به افکار دیگران پی می‌برد و آنان را از مقاصد و نیت خود آگاه می‌سازد. داشتن زبان گویا، قلم توانا، فهم قوی و گوش حساس با رشد شخصیت رابطه‌ی مستقیم دارد. معلمان می‌توانند با پرورش و تقویت قوه‌ی بیان و تحریک ذوق ادبی کودکان، یکی از قوی‌ترین موجبات کامیابی‌های اجتماعی آنان را فراهم آورند و دانش‌آموزان را از همان ابتدا برای حل مسائل زندگی و ابراز شخصیت اجتماعی مجهز و آماده سازند. آن‌ها هم‌چنین می‌توانند با استفاده از فرصت‌های مناسبی که در محیط‌های آموزشی یا خارج از آن به‌دست می‌آید، در جهت تقویت و توسعه‌ی زبان و پرورش شخصیت کودکان گام بردارند.

شنیدن و خواندن ابزارهایی‌اند که به کمک آن‌ها به افکار دیگران پی می‌بریم. گفتار و نوشتن نیز ابزارهایی‌اند که از طریق آن‌ها دیگران را از مقاصد و افکار خود آگاه می‌سازیم.

گسترش زبان و بهره‌گیری از آن در راستای آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه منوط به برنامه‌ریزی صحیح و مدوّنی در این زمینه است. یادگیری زبان میسر نمی‌شود مگر با غنی‌تر ساختن محیط آموزشی و فراهم کردن تجربه‌هایی برای ارتباط مستقیم در محیط؛ بر این اساس، غنی‌سازی محیط خانه و مدرسه در رشد و تکامل دانش‌آموزان و ارتباط با همسالان خود نقشی به‌سزا داشته و موجبات کسب تجارب جدید و توسعه‌ی تفکر و زبان در آنان خواهد بود؛ به همین دلیل، مطالعه و کاربرد اصول، قوانین و یافته‌های علمی در زمینه‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، روان‌شناسی یادگیری و...، برنامه‌ی درسی فارسی را به مبانی علمی متکی خواهد کرد که در نهایت، بهبود فرایند یاددهی - یادگیری و افزایش کارایی نظام آموزشی را فراهم خواهد ساخت.

بنابراین، ضروری است نظام آموزشی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مبادرت به برنامه‌ریزی محتوای اثربخش و کارآمد در راستای اهداف ترسیم شده‌ی دوره‌های تحصیلی این گروه از دانش‌آموزان کرده و زمینه‌های لازم را در جهت کسب مهارت‌های اساسی زندگی آنان فراهم کند.

چگونه دانش آموزان را به درس زبان و ادبیات فارسی علاقه مند سازیم؟

در آموزش زبان و ادبیات فارسی، ایجاد علاقه و انگیزش یک امر اساسی و بنیادی به شمار می‌رود. واژه‌ی انگیزش در فرهنگ‌های لغت به معنای حرکت و جنبش آمده است و در روان‌شناسی تربیتی از آن به عنوان پویایی یا دینامیک رفتار یاد می‌کنند. «انگیزش»، نیرویی است که موجودات زنده را به تکاپو و پویایی وامی‌دارد و قدرتی درونی است که باعث ایجاد و جهت‌یابی رفتار و فعالیت دانش‌آموز می‌شود. هرگاه دانش‌آموز برانگیخته شود تا قطعه شعری بخواند یا آن را حفظ کند یا با دقت و علاقه به توضیحات و بیانات دبیر ادبیات گوش دهد، می‌توان گفت در او نسبت به درس زبان و ادبیات فارسی رغبت و علاقه ایجاد شده است. هر چه زمینه برای ایجاد انگیزه‌ی مثبت فراهم باشد، به همان اندازه، امکان ایجاد علاقه و رغبت میسر خواهد بود؛ بنابراین، انگیزش شرط اساسی برای مطلوبیت فرایند یادگیری – یاددهی درس زبان و ادبیات فارسی است. به عقیده‌ی لوبین، یکی از علمای تربیتی معاصر، ایجاد انگیزش عالی‌ترین روش فرایند یادگیری است. با توجه به این مطالب، می‌توان گفت هر چه انگیزش دانش‌آموز برای یادگیری درس زبان و ادبیات فارسی بیش‌تر باشد، سعی و تلاش او برای دستیابی به اهداف زیادتر خواهد بود؛ به همین دلیل، برای موفقیت در امر تدریس بهتر است دبیر ادبیات با شیوه‌های ایجاد انگیزش و علاقه آشنا باشد تا در هدایت جریان سیستم یادگیری نقش خود را به درستی ایفا کند (هدایت و راهنمایی). البته نباید فراموش کرد که انگیزش در برنامه‌ی درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، هم هدف است و هم وسیله. آن‌گاه که دبیر ادبیات قصد دارد دانش‌آموز را به درس فارسی علاقه‌مند سازد، هدف تلقی می‌شود اما زمانی که از آن به عنوان ابزاری برای شروع درس جدید استفاده کند، وسیله به حساب می‌آید. هرگاه دانش‌آموز به درس فارسی علاقه‌مند باشد و نسبت به یادگیری آن برانگیخته شود، نه تنها در کلاس درس به‌طور جدی به یادگیری می‌پردازد بلکه بیرون از مدرسه نیز اطلاعات خود را در زمینه‌ی زبان و ادبیات افزایش می‌دهد. برای ایجاد انگیزش و علاقه در دانش‌آموزان نسبت به درس فارسی، از شیوه‌های ابتکاری و ابداعی زیادی می‌توان بهره برد؛ در این قسمت، با توجه به یافته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و نتایج تحقیقات آموزشی، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱- برای ایجاد علاقه نسبت به درس زبان و ادبیات فارسی لازم است دانش‌آموز اطلاعات و مهارت‌های پیش‌نیاز درس جدید را قبلاً کسب کرده باشد. در صورتی که او پیش‌نیازهای مقدماتی و لازم را برای نیل به اهداف آموزشی درس بداند، با آمادگی و علاقه‌ی بیش‌تری درس جدید را فرا می‌گیرد. برای تشخیص میزان اطلاعات پیشین دانش‌آموز که در اصطلاح «رفتار ورودی» نامیده

می‌شود، آزمون تشخیصی به کار می‌رود. منظور از رفتار ورودی اطلاعاتی است که دانش‌آموز برای یادگیری درس جدید از قبل آموخته است؛ به این ترتیب، اگر دیر قبل از شروع تدریس، با اجرای آزمون رفتار ورودی میزان اطلاعات او را بسنجد، تدریس و یاددهی او طبق برنامه و مطلوب خواهد بود و مطلوبیت تدریس به مطلوبیت یادگیری منجر شده و در نتیجه، موجب علاقه‌مندی به درس زبان و ادبیات خواهد شد. در صورتی که معلم ادبیات درس جدید را بدون توجه به اطلاعات قبلی دانش‌آموز شروع کند، نه تنها یادگیری درس معنادار نبوده بلکه علاقه و تمایلی نیز در دانش‌آموز دیده نخواهد شد. در حقیقت، رفتار ورودی، نقطه‌ی شروع تدریس به‌شمار می‌آید و یاددهی بدون توجه به رفتار ورودی سیر طبیعی خود را نخواهد پیمود.

۲- برای ایجاد علاقه و رغبت نسبت به درس زبان و ادبیات فارسی لازم است مطالب محتوای برنامه‌ی درسی و کتاب‌های درسی معنادار و جذاب باشد و با نیازها و تمایلات و علایق دانش‌آموزان هم خوانی داشته باشد. در این زمینه، دست‌اندرکاران آموزشی باید مطالب را طوری تنظیم و عرضه کنند که هر درس جدید با مفاهیم زبانی و ادبی پایه‌ی قبلی و بعدی ارتباط منطقی داشته باشد.

۳- برای ایجاد علاقه و رغبت نسبت به درس زبان و ادبیات، فارسی لازم است معلم ادبیات در طراحی آموزشی و اجرای برنامه‌های درسی مهارت کافی داشته باشد. او می‌تواند با طراحی خوب و علمی، مفاهیم و مطالب درسی را برای دانش‌آموزان به خوبی تبیین و تفهیم کند.

الف - پیش از شروع تدریس، هدف‌های درس را برای دانش‌آموزان توضیح دهیم تا بدانند در پایان جلسه از آنان چه انتظاراتی می‌رود؛ بیان اهداف درس به فرایند یاددهی معلم جهت می‌دهد و پیوندی عمیق میان معلم، درس و دانش‌آموز ایجاد می‌کند.

ب- استفاده‌ی به‌هنگام از رسانه‌ها و وسایل آموزشی به روشن شدن مطالب درسی و تفهیم بهتر آن کمک می‌کند. منظور از وسیله‌ی آموزشی، چیزی است که میان معلم و دانش‌آموز ارتباط ایجاد می‌کند. اگر معلم ادبیات به اصول طراحی آشنا باشد، می‌تواند از هر وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف تدریس استفاده کند. البته نباید فراموش کرد که نوع و کیفیت رسانه به امکانات نیز بستگی دارد. در هر صورت، استفاده از وسایل آموزشی مناسب در تدریس درس فارسی موجب افزایش علاقه‌ی دانش‌آموزان به این درس می‌شود، آنان را به پاسخ‌گویی و عکس‌العمل مثبت ترغیب می‌کند، موجب تفهیم مطالب درسی می‌شود، اعتماد به نفس آنان را بالا می‌برد و در نهایت، موجب صرفه‌جویی در زمان نیز می‌شود.

۴- برای ایجاد علاقه و رغبت نسبت به زبان و ادبیات فارسی لازم است دانش‌آموزان در فرایند

یاددهی - یادگیری درس فارسی فعال باشند. معلم ادبیات فارسی می‌تواند در کلاس موقعیتی ایجاد کند که دانش‌آموزان با موضوع درسی به‌طور عینی و ذهنی درگیر باشند. وقتی دانش‌آموز در یادگیری درس جدید فعال باشد، هم معلم بهتر آموزش می‌دهد و هم دانش‌آموز احساس مسئولیت و اعتماد به نفس می‌کند. تحقیقات آموزشی نشان می‌دهد که هر چه معلم بیش‌تر متکلم‌وحده باشد و فرصت فعالیت و اظهارنظر را از دانش‌آموزان بگیرد، به همان اندازه رغبت و علاقه‌ی آنان به درس کم‌تر می‌شود. فعال شدن دانش‌آموزان با روش‌های ابتکاری تدریس معلم نیز هم بستگی مستقیم دارد. هر قدر معلم در ارائه‌ی درس از یکنواختی پرهیز کند و با روش‌های متنوع دانش‌آموزان را به‌سوی اهداف درس رهبری و هدایت کند، به همان اندازه، کلاس فعال خواهد شد.

۵- برای ایجاد علاقه و رغبت نسبت به درس زبان فارسی و ادبیات فارسی، لازم است معلم ادبیات تمرین‌ها را با فاصله‌ی زمانی معینی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا آنان هر از چند گاهی تمرین‌های موضوع مورد بحث را انجام دهند؛ این عمل از شدت فراموشی مطالب می‌کاهد و یادگیری مطالب درسی را معنادار می‌کند؛ برای نمونه، در تمرین‌های دستور اگر معلم فقط اوایل یا اواخر ترم، هم گام با کتاب درسی به دادن تمرین اکتفا کند و در جلسات بعدی درباره‌ی آن موضوع تمرینی تعیین نکند، بدیهی است بحث مورد نظر در اثر عدم تکرار فراموش خواهد شد. علمای تربیتی توصیه می‌کنند که باید با فاصله‌ی زمانی مناسبی تمرین داده شود. در این نوع تمرین، دانش‌آموز پس از مدتی فاصله، دوباره با شور و شوق به یادگیری مطلب قبلی رو می‌آورد و در مدت استراحت ذهنی، آموخته‌های قبلی در ذهن او تثبیت می‌شوند.

۶- برای ایجاد رغبت و علاقه به درس زبان و ادبیات فارسی لازم است محیط فیزیکی و روانی و شرایط آموزشی کلاس برای دانش‌آموزان رضایت‌بخش باشد. در این زمینه، کلیه‌ی عوامل محیط آموزشی مؤثرند. معلم ادبیات با توجه به رسالت اصلی خود، یعنی هدایت و راهنمایی باید سعی کند محیط خوشایندی را به‌وجود آورد؛ به همین جهت، تکالیف و تمرین‌ها نباید از توان ذهنی آنان خارج باشد؛ هر چه تمرین‌ها و تکالیف خواسته شده بیش‌تر در راستای اهداف درس باشد و معلم هنگام تدریس، مطالب جدید را با مطالب اندوخته شده در ذهن دانش‌آموزان بهتر مرتبط کند، به همان اندازه، خرسندی دانش‌آموز از کلاس زبان و ادبیات فارسی بیش‌تر خواهد شد. معلم ادبیات باید دانش‌آموز را از نتیجه‌ی کارش آگاه کند؛ در صورتی که مثبت باشد، تأیید و اگر با اشتباه همراه بوده است، اصلاح شود. این امر علاقه‌ی دانش‌آموز را به درس بیش‌تر می‌کند. وقتی معلم ادبیات فعالیت و تلاش دانش‌آموزان را در کلاس ارج بنهد و ارتباط معلم با دانش‌آموزان به نحو احسن و بر پایه‌ی دوستی و

همکاری باشد، علاقه‌ی آنان به درس فارسی بیش‌تر خواهد شد.

۷- به کارگیری مطلوب «ارزش‌یابی» یکی دیگر از شیوه‌های ایجاد رغبت و علاقه به درس زبان و ادبیات فارسی است. هر چه معلّم فارسی از آموخته‌های دانش‌آموزان بیش‌تر ارزش‌یابی به عمل آورد، زمینه برای علاقه‌مندی بیش‌تر می‌شود. البته نباید فراموش کرد که خود امتحان و نمره هدف نیست بلکه نتایج و پیامدهای آن مورد نظر آموزش و پرورش است. امتحان مناسب و متناسب با درس در طول ترم باعث می‌شود هم دانش‌آموز از عملکرد و میزان یادگیری خود آگاه شود و هم معلّم امکان می‌یابد که کم و کیف تدریس خود را ارزیابی کند. در نظام آموزشی موجود، متأسفانه نمره‌ی امتحانی به عنوان هدف نهایی درس تلقی می‌شود. این امر به حدی شایع شده است که دانش‌آموز و معلّم هر دو سعی دارند بهترین و بالاترین نمره کسب شود. در درسی مثل زبان و ادبیات فارسی لازم است جنبه‌های ذوقی، تخیلی، مهارتی و... دانش‌آموز نیز مورد نظر باشد؛ به گونه‌ای که دانش‌آموز در نشان دادن این رفتارها نمره کسب کند نه در حفظ کردن بدون هدف.

۸- برای ایجاد علاقه و رغبت نسبت به درس زبان و ادبیات فارسی لازم است معلّم ادبیات در تدریس خود از شیوه‌ی سیستمی استفاده کند. منظور از شیوه‌ی سیستمی، پیش‌بینی فعالیت‌ها و مراحل آن است که به‌طور منطقی دانش‌آموزان را به اهداف آموزشی درس می‌رساند. در این شیوه، دانش‌آموز نقش محوری دارد. ذهن او به مثابه‌ی سیستم و فرایندی است با مجموعه‌ای از اطلاعاتی که قبلاً در آن ذخیره شده است و معلّم نیز اطلاعات جدیدی را به آن وارد می‌کند و دانش‌آموز با کمک آن‌ها به پردازش اطلاعات می‌پردازد؛ بدین ترتیب، بین اطلاعات جدید و قبلی، برخورد و تعامل ایجاد می‌شود و نتیجه‌ی تعامل یادگیری درس جدید و ثبت و ضبط آن در حافظه‌ی بلند مدت دانش‌آموز است. در طراحی سیستمی، کلیه‌ی عناصر یعنی دانش‌آموز، معلّم، مدرسه، کلاس، کتاب درسی، وسایل کمک آموزشی و شیوه‌های ارزش‌یابی، همه با هم در نظر گرفته می‌شوند و معلّم می‌داند دانش‌آموز او عاقبت به کجا خواهد رسید؛ برای نمونه، معلّم فارسی برای تدریس فصل سوم از کتاب ادبیات فارسی اول متوسطه حرفه‌ای (ادبیات پایداری)، ابتدا اطلاعات قبلی (رفتار ورودی) را تعیین می‌کند، سپس هدف‌های درس را مشخص کرده، آن گاه با توجه به اهداف درس، رئوس مطالب محتوا را انتخاب و تدوین می‌کند. در ادامه، محتوای انتخاب شده را سازمان می‌دهد و پس از آن، درباره‌ی چگونگی عرضه‌ی محتوا و وسایل کمک آموزشی پیش‌بینی‌های لازم را به عمل می‌آورد و در نهایت، درباره‌ی نحوه‌ی ارزش‌یابی نیز تصمیم‌گیری می‌کند. سپس، معلّم با توجه به بازخوردهای ارزش‌یابی، در صورت لزوم، به تجدید نظر در روش تدریس و سایر عناصر برنامه تجدید نظر می‌کند. در طراحی

سیستمی درس زبان و ادبیات فارسی، به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه می‌شود، امکان طرح اطلاعات خارج از کتاب درسی وجود دارد، به کلیه عناصر برنامه به‌طور همزمان توجه می‌شود، کیفیت فرایند یاددهی – یادگیری درس بیش‌تر می‌شود و از همه مهم‌تر، انگیزه و رغبت به یادگیری در دانش‌آموزان زیاد می‌شود و در نتیجه، یادگیری برای دانش‌آموز معنادار می‌شود (حسین قاسم پور، مجله رشد ادب فارسی).

ارتباط برنامه با اهداف شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی پیش‌حرفه‌ای

برنامه‌ی درسی فارسی دوره‌ی راهنمایی، هم‌سو با اهداف کلی آموزش و پرورش، کمال انسان و رشد و پرورش فطرت خداجوی در نظام تعلیم و تربیت که همان تقرب به درگاه الهی است، برای جهت‌بخشی به رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان، بر بنیاد تعالیم آسمانی و آموزه‌های انسان‌پرور دین مبین اسلام در نظر دارد.

بنابراین در سامان‌دهی مبانی، اصول، اهداف و محتوای این برنامه، تلاش شده است تا زمینه‌های پرورش و ارتقای اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی – آموزشی، فرهنگی – هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی کاملاً مورد توجه قرار گیرد.

هم‌چنین، برنامه‌ی موجود با اصول فلسفه‌ی آموزش و پرورش نیز هم‌خوانی دارد و در عین حال با برنامه‌ی درسی ملی، سند ملی هماهنگی‌های لازم را داراست.

ارتباط برنامه با برنامه‌ی درسی فارسی ابتدایی

در این برنامه سعی شده است در تکمیل سیر منطقی و تولید برنامه‌ی درسی فارسی ابتدایی، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شود؛ از این رو، در بسیاری از مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی از قبیل اصول، رویکردها، اهداف و روش‌ها، این برنامه ادامه‌ی دوره‌ی ابتدایی بوده و سعی شده است از دید درجه‌بندی سطوح یادگیری، تعمیق و تثبیت بیش‌تری پیدا کند.

رویکردهای حاکم بر برنامه‌ی درسی فارسی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای

«رویکرد» عبارت است از جهت‌گیری اساسی نسبت به یاددهی – یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی؛ بر این اساس، در برنامه‌ی درسی فارسی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای،

رویکردها عبارت‌اند از :

۱- **رویکرد کلی :** براساس این رویکرد (روانشناسی گشتالت)، انسان هنگام برخورد با امور و پدیده‌ها ابتدا به کل آن‌ها توجه می‌کند و پس از آن به اجزای سازنده‌ی کل می‌پردازد؛ از این‌رو، در برنامه‌ی درسی و مراحل یاددهی - یادگیری نیز باید نخست اشکال و صورت‌های کل را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، سپس با استفاده از شیوه‌ی تجزیه‌ی کل به عناصر سازنده، اجزای آن را معرفی کنیم؛ مثلاً، به جای آن که دانش‌آموز، شعری را بیت به بیت حفظ کند، باید کل شعر را چند بار بخواند و پس از دریافت مفهوم و پیام کلی آن، شعر را حفظ کند. سپس شعر را از منظرهای مختلف دستوری، ادبی، نگارشی، املائی و معنایی بررسی و تحلیل کند.

۲- **رویکرد فعالیت محوری :** با توجه به این که بخش قابل توجهی از ماهیت زبان و ادبیات فارسی، مهارتی است و از طریق این مهارت‌ها به جنبه‌های درونی و برونی فرد پرداخته می‌شود، سعی شده است به طور متعادل در طراحی برنامه‌ی درسی فارسی راهنمایی به جنبه‌های مختلف دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی توجه کافی شده و متناسب با آن عناصر، محتوا و فعالیت‌های یادگیری سازماندهی شود.

۳- **رویکرد تلفیقی :** از آن‌جا که درس زبان و ادبیات فارسی ماهیتی تلفیقی و درهم تنیده دارد، کوشیده‌ایم برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی به نحوی تلفیق و ارائه شود که در نهایت، توانایی‌های ذهنی، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب و بازسازی، نقد و داوری، برقراری ارتباط با دیگران، ابراز وجود و بیان احساسات، افزایش قدرت خلاقیت و... تقویت شود. این رویکرد در حوزه‌های زیر انعکاس خواهد داشت :

۱- تلفیق مهارت‌های زبانی

۲- تلفیق مهارت‌های ادبیات فارسی

۳- تلفیق اطلاعات و دانش‌های زبانی و ادبی

۴- تلفیق مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، دینی و ملی در محتوا

۵- تلفیق زبان و ادبیات فارسی با سایر دروس.

۴- **رویکرد ساختاری :** زبان و ادبیات نظامی از عناصر و مؤلفه‌های مرتبط به هم است که برای رمزگردانی معانی به کار می‌رود و هدف از یاددهی و یادگیری، تسلط پیدا کردن بر عناصر این نظام است که معمولاً در حوزه‌های آواشناسی، واحدهای دستوری و واژگانی قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، برنامه‌ی زبان فارسی باید به گونه‌ای باشد که در نهایت، دانش‌آموز نسبت به ساختارهای

تشکیل دهنده‌ی زبانی و ادبی آگاهی پیدا کند و از طریق مهارت در شناخت جنبه‌های توصیفی زبان، به معانی موجود در آن پی ببرد.

۵- رویکرد نقش‌گرایی: در این رویکرد، زبان فارسی وسیله و ابزاری برای بیان معانی است و به جای توجه ویژه به عناصر زبانی، به بُعد کاربردی و تولیدی زبان و ادبیات تأکید می‌شود. از عناصر زبان و ادبیات فقط در حدی سود جسته می‌شود که معنا و کاربرد زبان تسهیل یابد و محتوای برنامه براساس معنا سازمان‌دهی شود. براساس این رویکرد، صورت و ساخت ظاهری زبان اصل نیست بلکه نقش و معنای زبان مهم است.

۶- رویکرد ارتباطی: در این رویکرد، زبان فارسی برای فهم و روابط متقابل افراد و برقراری روابط اجتماعی بین افراد تلقی می‌شود. به جای توانش زبانی و ادبی به توانش ارتباطی اهمیت داده می‌شود. به درک مطلب بیش‌تر از تولید زبان و ادبیات تأکید می‌شود و در نتیجه، امکان تماس دانش‌آموز با زبان فارسی واقعی بیش‌تر شده و امکان تعامل بین افراد و گروه‌ها افزایش می‌یابد. مهم‌ترین نکته در این رویکرد، این است که آموزه‌ها و رهیافت‌های آن به گونه‌ای است که هم رویکرد ساختاری و هم رویکرد نقش‌گرایی را دربرمی‌گیرد. شاید بتوان رویکرد ارتباطی را به عنوان یک رویکرد کاملاً تلفیقی در حوزه‌ی زبان و ادبیات تلقی کرد که از این طریق می‌توان به بسیاری از نیازهای موضوع درسی، دانش‌آموز و جامعه پاسخ داد (برگرفته از راهنمای برنامه‌ی درسی فارسی راهنمایی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی).

اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای

اصل ۱- در برنامه‌ی فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای اصل بر جنبه‌های عملی زبانی و ادبی باشد.

- تدوین محتوا براساس روش فعالیت محوری
- تقویت موازی مهارت‌های شفاهی و کتبی زبان و ادبیات فارسی
- در نظر گرفتن تمرین‌ها و فعالیت‌های عملی و کاربردی
- در نظر گرفتن فعالیت‌های اضافی در کتاب روش تدریس
- آموزش مهارت‌های زبانی و ارزش‌یابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان براساس چهار مهارت زبانی.

اصل ۲- برنامه باید بتواند توانایی اندیشیدن در نوجوان را تقویت کند.

- پیش‌بینی و سازمان‌دهی داستان‌های دارای پیام‌های غیرمستقیم
- پیش‌بینی فعالیت‌ها و تمرین‌های آشناسازی دانش‌آموزان با مراحل منطقی تفکر از قبیل دسته‌بندی، مرتب کردن و...
- آموزش غیرمستقیم توانایی‌های ذهنی مثل مقایسه و تحلیل و ترکیب از طریق فعالیت‌ها
- پیش‌بینی تمرین‌هایی به منظور توانایی اظهارنظر، پیشنهاد و ارائه‌ی راه‌حل به نوجوان
- در نظر گرفتن فعالیت‌هایی برای تقویت درک سمعی و توانایی برداشت مناسب از مفاهیم
- پیش‌بینی تمرین‌ها و آزمون‌های خلاق و فعال در ارزش‌یابی.
- اصل ۳- سیر توجه برنامه از زبان طبیعی به زبان معیار باشد.
- ارائه‌ی تمرین‌ها و فعالیت‌های تبدیل زبان گفتار به زبان نوشتار
- طراحی و تدوین تمرین‌ها و فعالیت‌های یادگیری از مهارت‌های شفاهی به مهارت‌های کتبی
- انتخاب متون مناسب زبانی و ادبی.
- اصل ۴- زبان انتخابی ساده و صمیمی و متناسب با ذهن و زبان دانش‌آموزان باشد.
- بهره‌گیری از زبان نوجوان در نوشتن متن‌ها
- استفاده از اصول و مبانی ساده‌نویسی در نوشتن متن‌ها
- تهیه‌ی متن‌های ساده‌ی ادبی معاصر.
- اصل ۵- برنامه براساس آخرین یافته‌ها و نظریه‌های حوزه‌ی زبان‌شناسی و ادبیات باشد.
- توجه به تمامی مهارت‌های زبانی
- رعایت رویکردهای نوین در مراحل برنامه‌ریزی.
- اصل ۶- به انواع خط‌ها و نوشتارها توجه‌ی کافی شود.
- استفاده‌ی مناسب از خط خواندن و نوشتن
- ادامه‌ی روند بهینه‌سازی و خوانانویسی دوره‌ی دبستان
- ایجاد زمینه‌های عملی و لازم جهت زیباسازی خط.
- اصل ۷- برنامه زمینه ساز تقویت مهارت‌های زندگی در نوجوانان باشد.
- گسترش و پراکندگی نمونه‌های اساسی مهارت‌های زندگی در سراسر کتاب
- بهره‌گیری از متون در جهت پرورش و تقویت مهارت‌های زندگی.
- اصل ۸- برنامه باید زمینه ساز تقویت روحیه مطالعه و کتاب‌خوانی باشد.
- پیش‌بینی بخش کتاب‌خوانی.

اصل ۹- آموزش نکات زبانی، اخلاقی و شناختی به شکل غیرمستقیم باشد.

- آموزش مفاهیم و نکات از طریق روش‌های فعال

- استفاده از مواد کمک آموزشی مثل مجله، روزنامه، کتاب کمک درسی و...

اصل ۱۰- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت و پرورش خلاقیت و ذوق هنری و ادبی نوجوان باشد.

- پیش‌بینی تمرین‌هایی در کتاب به منظور تقویت قوه‌ی خلاقیت و ذوق هنری

- طراحی تمرین‌هایی برای تقویت روح جست‌وجوگری و کشف و حل مسئله

- استفاده از شعر خوانی، قصه‌گویی، نقالی، قصه‌سازی و نمایش خلاق.

اصل ۱۱- برنامه باید زمینه‌ساز رفتارهای اخلاقی، اجتماعی، تربیتی مناسب در نوجوانان باشد.

- طرح الگوهای متعالی دینی، ملی و جهانی

- مقاوم سازی نوجوانان در برابر آسیب‌های اجتماعی از طریق پیش‌بینی متون و فعالیت‌های

مناسب

- توزیع مفاهیمی مثل مشارکت و همیاری، آینده‌نگری، خودشکوفایی، انتقادپذیری، دوست‌یابی،

همدردی با دیگران، کمک به هم نوع، اعتماد به نفس، گذشت و فداکاری، خودباوری، مسئولیت‌پذیری و واقع‌بینی در محتوای برنامه.

اصل ۱۲- به نقش سازنده‌ی زن و مرد به‌طور مناسب و متناسب در برنامه توجه شود.

- معرفی چهره‌های بزرگ زن و مرد در محتوای برنامه

- بهره‌گیری از آثار چهره‌های بزرگ زن و مرد

- بهره‌گیری از معلمان و اساتید این فن در تهیه‌ی برنامه.

اصل ۱۳- موضوعات و مطالب به یک محدوده‌ی جغرافیایی محدود نشود.

- استفاده از زبان فارسی معیار با تکیه بر فرهنگ ملی

- معرفی فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای با تکیه بر فرهنگ ملی

- ارائه‌ی تمرین‌هایی برای آشناسازی دانش‌آموزان با زبان و ادبیات و فرهنگ منطقه‌ای و محلی

- توجه به فرهنگ عمومی و ملی در کنار فرهنگ منطقه‌ای و بومی.

اصل ۱۴- به تقویت و تعمیق حافظه‌ی سمعی و بصری توجه کافی شود.

- بهره‌گیری از تمرین‌های مناسب مانند مقایسه، خاطره‌گویی و شعرخوانی

- تولید مواد کمک آموزشی مناسب.

اصل ۱۵- برنامه باید زمینه‌ساز ابراز وجود و بیان احساس دانش‌آموزان باشد.

- پیش‌بینی درس‌هایی از زبان دانش‌آموز برای طرح دیدگاه‌ها، عقاید احساسات.

اصل ۱۶- مواد برنامه باید با علایق، سلیقه‌ها و نیازهای دانش‌آموز هم‌سویی داشته

باشد.

- انتخاب متون و داستان‌های جذاب و پرکشش

- توجه کافی و لازم به دنیای نوجوان در کتاب درسی و مواد کمک آموزشی

- توجه به هماهنگی تصاویر با دنیای ذهنی نوجوان

- بهره‌گیری از الگوها، قهرمانان، اسطوره‌ها و شخصیت‌های محبوب نوجوان

- توجه به اصول روان‌شناسی نوجوان در طراحی و سازمان‌دهی برنامه.

اصل ۱۷- عناصر و مؤلفه‌های برنامه در عین بنیادین بودن، انعطاف‌پذیر باشد.

- تدوین اهداف برنامه براساس ساختار رشته و نیازهای جامعه و دانش‌آموز

- انتخاب سرفصل‌ها و مفاهیم متناسب با اهداف برنامه

- فصل‌بندی محتوا برای تنوع بخشی به برنامه و گنجاندن بخش‌های کوتاه و متنوع در دروس

- بهره‌گیری از تمرین‌های متنوع زبانی، نگارشی، املائی و ...

- پیشنهاد روش‌های تدریس مناسب با برنامه

- ارزش‌یابی براساس مصوبات و یافته‌های حوزه‌ی سنجش و اندازه‌گیری.

اصل ۱۸- از ادبیات دیگر ملل در کنار ادبیات فارسی استفاده شود.

- بهره‌گیری از نمونه‌های برجسته‌ی ادبیات جهان.

اصول حاکم بر تعیین محتوا

محتوایی مفید و اثربخش است که براساس مجموعه‌ای از معیارهای مناسب انتخاب شده باشد؛

معیارهایی چون تناسب محتوا با توانایی‌های ذهنی، تجربیات یادگیری، نیازها، علایق (جذاب بودن)،

ویژگی‌های سنی، نیازها و توانایی‌های جسمی از مواردی‌اند که می‌توانند زیر عنوان «ارتباط محتوا با

یادگیرنده» قرار گیرند. و معیارهایی چون سازگاری با واقعیت‌های اجتماعی، ارتباط با مسائل روز و

میراث فرهنگی، اعتبار، اهمیت و تعادلی از وسعت و عمق را می‌توان زیر عنوان «در ارتباط با جامعه»

و «موضوع درسی» قرار داد.

۱- تناسب با ویژگی‌ها و نیازهای سنی : هر یک از مراحل رشد انسان با تغییرات و ویژگی‌هایی همراه است. این تغییرات در ابعاد مختلف شخصیت صورت می‌گیرد. شناخت ویژگی‌های مشترک سنی یادگیرندگان در ابعاد مختلف شخصیت می‌تواند راه‌های مناسبی برای تهیه و تدوین برنامه، انتخاب و تدوین عناصر مختلف، از جمله انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باشد.

توجه به ویژگی‌های سنی و توانایی‌های ذهنی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در برنامه‌ریزی و تألیف محتوا اهمیت دارد. انتخاب نوع هدف‌های آموزشی کتاب‌های فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای و متوسطه‌ی حرفه‌ای نقش به‌سزایی در یادگیری مورد انتظار متناسب با توانایی‌های ذهنی دانش‌آموزان دارد. آن چه در تألیف محتوای کتاب‌های فارسی مورد توجه قرار گرفته است، عبارت‌اند از :

- انتخاب مفاهیم و مطالب قابل درک برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه
- تعیین نوع موضوع و مثال‌های درسی مرتبط با علایق دانش‌آموزان با نیازهای ویژه
- تعیین حجم محتوا و میزان مطالب ارائه شده در هر درس برحسب توانایی‌ها و ویژگی‌های مخاطبان آن

- کوتاه بودن جملات ساده و قابل درک بودن واژه‌ها.

۲- تناسب محتوا با ویژگی‌ها و نیازهای جنسیتی مخاطب

محتوای برنامه‌ی درسی هنگامی برای مخاطبان مفید و اثربخش خواهد بود که علاوه بر ویژگی‌های سنی، ویژگی‌ها و نیازهای جنسیتی را مدنظر قرار دهد. در این خصوص طرح موضوعات، مسائل و نوع مثال‌های مورد استفاده باید به گونه‌ای باشد که بتواند در آموزش و پرورش هر دو جنس، پسر و دختر، مؤثر واقع شود.

نظر به اهمیت نقش خودپنداری مثبت در بهداشت روانی، رشد شخصیت و پیشرفت تحصیلی انسان، آموزش و برنامه‌ی درسی موظف است شرایطی را فراهم آورد که نه تنها دید منفی یادگیرنده نسبت به خود منتهی نشود بلکه از طریق کاربرد محتوا و روش‌های مناسب، در تقویت حس ارزشمندی و خودپنداری مثبت نقشی سازنده داشته باشد.

در مجموع، توجه به ویژگی‌ها و نیازهای سنی و جنسیتی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در تألیف کتاب‌های فارسی، موجب می‌شود تا آنان را در جهت پذیرفتن نقش متناسب با طبیعت خود و هماهنگی با نیازها و انتظارات جامعه مهیا سازد.

۳- تناسب با ویژگی‌ها و نیازهای فردی : آموزش هنگامی از اثر بخشی کامل‌تری برخوردار

خواهد بود، که ضمن مراعات ویژگی‌ها و نیازهای سنی و جنسیتی، بتواند توانایی‌ها، نیازها و علایق فردی یادگیرندگان را نیز مدنظر قرار دهد. این امر، علاوه بر این که می‌تواند از طریق تنوع و انعطاف‌پذیری در روش‌ها و رسانه‌های آموزشی صورت گیرد، ضروری است در تدوین محتوا نیز لحاظ شود.

توجه به تفاوت‌های فردی و محیطی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، امکان استفاده از منابع متنوع مرتبط با عنوان درسی و مشارکت دادن آنان در انتخاب محتوا، زمینه‌ساز تدوین محتوایی مرتبط با ویژگی‌ها، توانایی‌ها، علایق، تجربیات و نیازهای فردی آنان خواهد شد.

۴- سازگاری با واقعیت‌های اجتماعی: توجه به واقعیت‌های اجتماعی اساس برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد. برنامه‌ی درسی هنگامی مفید خواهد بود که هماهنگ با واقعیت‌های فرهنگی زمان خود باشد. برخی از دانش‌ها از اهمیت بیش‌تری برخوردارند؛ زیرا موجب جهت‌گیری نسبت به جهان اطراف می‌شوند. با تحلیل فرهنگ و جامعه می‌توان به جست‌وجوی محتوا و تجربیاتی از یادگیری پرداخت که علاوه بر معتبر و اساسی بودن از نظر علمی، از دید اجتماعی نیز اهمیت دارند.

برنامه‌ی درسی باید دانش و دیدگاهی را که متناسب با نوع محیط زندگی مان باشد، ایجاد کند؛ برای مثال، مفهوم «دفاع مقدس و جنگ» یک واقعیت اجتماعی است که در تدوین برنامه‌ی درسی باید به ارائه‌ی تجربیات کافی به منظور ایجاد درک ذهنی از پدیده‌ی جنگ و مسائلی که به همراه دارد، پرداخته شود و با استفاده از رویکردهای جدید، نوعی از فرایندهای ذهنی را که توانایی انتقال دانش در موقعیت زندگی روزمره را داشته باشد، ایجاد کند.

۵- اعتبار: ارزش محتوای ارائه شده در هر یک از موضوعات علمی و هر یک از دروس در گرو صحت و همخوانی آن با نظریه‌ها و یافته‌های معتبر روز است. «اعتبار و اهمیت، توجهات ویژه‌ای را شامل می‌شود. از یک نظر اعتبار و اهمیت محتوای برنامه‌ی درسی به آن بستگی دارد که تا چه حد دانش علمی معاصر را منعکس می‌سازد.» اعتبار، هم به روش و هم به محتوا، اشاره دارد. محتوا یا روش در صورتی معتبر است که از طریق به کارگیری آن، رسیدن به اهداف ممکن باشد.

۶- اهمیت: یکی از مشکلات آموزش و برنامه‌ی درسی و رشته‌های مختلف این است که حجم دانش، اطلاعات و یافته‌های علمی به‌طور انفجارآمیزی در حال افزایش است. تا آن جا که با گذشت زمان، معمولاً هر رشته‌ی علمی خود به رشته‌های متعددی تبدیل می‌شود و در هر یک توسعه می‌یابد؛ بنابراین، آن چه مسلم است آموزش موضوعات مهم و اساسی در مدرسه است که سهمی در ساختن مفاهیم و اصول موضوعات داشته باشند.

این موضوع مربوط به وسعت و عمق برنامه‌ی درسی است؛ وسعت و عمق باید به‌طور متناسبی

تعادل داشته باشند تا به درک و فهم دانش آموز منجر شود. اهمیت محتوا به میزان کمکی که می‌تواند در زمینه‌ی ایده‌ها، مفاهیم، اصول و تعمیم‌پذیری‌های اساسی مربوط به کل هدف‌های برنامه‌ی درسی داشته باشد، بستگی دارد. هم‌چنین محتوا باید رشد مهارت‌های ویژه‌ی یادگیری، فرایندها و ایجاد نگرش‌ها را مدنظر قرار دهد.

۷- میراث فرهنگی: محتوای آموزشی باید مطالب مربوط به میراث فرهنگی جامعه را دربرداشته باشد؛ زیرا هدف‌های آموزشی همواره براساس ارزش و فرهنگ حاکم بر جامعه تنظیم می‌شوند و چنان‌چه مفاهیم فرهنگی در محتوا که وسیله‌ی رسیدن به هدف‌های آموزشی‌اند، منظور نشود، نمی‌توان انتقال و تثبیت ارزش‌های فرهنگی را از برنامه‌ی آموزشی انتظار داشت.

۸- ارتباط با مسائل روز: محتوای آموزشی باید تا حد امکان با زندگی روزمره و محیط اجتماعی مرتبط باشد و از آن‌جا که ربط علم با زندگی انسان، یکی از هدف‌های مهم فعالیت‌های آموزشی است، محتوا باید شاگردان را برای زندگی اجتماعی و شغلی آینده و برخورد با مسائل آن آماده کند. در تحقق این منظور، باید تا حد امکان از مثال‌های رایج در زندگی استفاده شود؛ بنابراین، هنگام تهیه و تنظیم محتوا، باید به موضوعات و مسائلی اولویت داد که برای جامعه حائز اهمیت است.

اهداف کلی برنامه‌ی درسی فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای

الف) حیطه‌ی شناختی

- توسعه و تعمیق حوزه‌ی نمادها و معانی مناسب و متناسب
- تداوم شناخت گونه‌ی گفتاری زبان معیار
- آشنایی بیش‌تر با ساختار زبان فارسی معیار
- آشنایی ابتدایی با ساختار نظم و نثر
- آشنایی با مسائل اعتقادی، ملی، هنری، اجتماعی و علمی
- آشنایی با شیوه‌های خواندن و نوشتن
- آشنایی با انواع پاره مهارت‌های نگارشی.

ب) حیطه‌ی عاطفی

- کسب و ارتقای علاقه و نگرش مثبت نسبت به:
- ارج‌گذاری به احساسات و عواطف و افکار دیگران

- بیان مناسب و مؤثر احساسات، عواطف و افکار خود
- مسائل اعتقادی، ملی، هنری و اجتماعی
- مطالعه‌ی نوشته‌ها و قصه‌های ساده و مناسب
- جنبه‌های زیبایی سخن
- نوشتن متن‌های کوتاه
- زیبایی خط
- تلطیف عواطف و احساسات.

پ) حیطه‌ی مهارتی

۱- مهارت گوش دادن

- دقت در سخن گوینده
- دریافت پیام ساده، واضح، عینی و هسته‌ی معنای پیام
- بررسی و نقد شنیده‌ها
- دقت در آهنگ کلام.

۲- مهارت سخن گفتن

- به کارگیری کار افزارهای مناسب ارتباطی
- برقراری ارتباط عاطفی مؤثر با شنونده
- شرکت فعال در بحث‌ها و گفت‌وگوها
- سخن گفتن مؤثر و مناسب در جمع
- انسجام و انتظام در رساندن پیام
- پاسخ‌گویی خلاق به پرسش‌ها.

۳- مهارت خواندن

- توسعه‌ی سرعت بخشیدن به خواندن نمادهای نوشتاری
- توانایی دریافت ارتباط معنایی بخش‌های یک متن
- توانایی دریافت پیام اصلی یک متن
- توانایی خواندن متن مناسب با محتوای آن
- توانایی خواندن نثر و شعر با لحن و آهنگ مناسب
- توانایی نقد و بررسی یک متن ساده

- توانایی به کارگیری کارافزارهای مناسب در خواندن
- ارتقای عادات و آداب مطلوب در خواندن.

۴– مهارت نوشتن:

- ارتقای توانایی تبدیل نمادهای صوتی به نوشتاری
- ارتقای توانایی درست، خوانا و زیبانویسی
- ارتقای عادات مطلوب در هنگام نوشتن
- افزایش توانایی در استفاده از علائم سجاوندی
- توانایی بیان باورها، احساسات و خواسته‌ها در قالب نوشته
- توانایی نوشتن متن چند جمله‌ای.

اهداف برنامه‌ی درسی فارسی
دوره‌ی راهنمایی تحصیلی
پیش‌حرفه‌ای

اهداف برنامه‌ی درسی فارسی سال اول دوره‌ی راهنمایی تحصیلی پیش حرفه‌ای

| حیطه‌ی شناختی | حیطه‌ی عاطفی | حیطه‌ی روانی — حرکتی |
|---|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با نعمت‌های خداوند — آشنایی با نهاد خانواده و مسجد — آشنایی با مفاهیم احترام به بزرگ‌ترها و گذشت — آشنایی با زندگی، اخلاق و رفتار — شخصیت‌های مذهبی و علمی — آشنایی با کشور ایران (مشهد) و سمبل‌های ملی ایران (پرچم) — آشنایی با وسایل ارتباط جمعی (کتاب — روزنامه). | <ul style="list-style-type: none"> — احساس قدردانی و تشکر از نعمت‌های خداوند — توجه به نحوه‌ی پذیرایی از مهمان — احساس احترام به بزرگ‌ترها و کنترل رفتار خود — علاقه به آشنایی بیش‌تر با شخصیت‌های مذهبی و علمی — احساس احترام و علاقه نسبت به ایران — علاقه نسبت به استفاده از وسایل ارتباط جمعی. | <ul style="list-style-type: none"> — تمایل به انجام اعمال قدرشناسی از نعمت‌های خدا — پذیرایی کردن از مهمان — احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها و گذشت و فداکاری داشتن در مقابل دیگران — توانایی در استفاده‌ی صحیح و به موقع از وسایل ارتباط جمعی. |

اهداف برنامه‌ی درسی فارسی سال دوم دوره راهنمایی تحصیلی پیش حرفه‌ای

| حیطه‌ی شناختی | حیطه‌ی عاطفی | حیطه‌ی مهارتی |
|--|---|--|
| <ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با صفات خداوند — آشنایی با نهادهای اجتماعی (بانک، مکان‌های ورزشی) — آشنایی با مفاهیم اخلاقی — امانت‌داری، صبر و تحمل — آشنایی با زندگی دانشمندان و شاعران ایرانی — آشنایی با آداب و رسوم مذهبی و کشور ایران — آشنایی با نهادهای ارتباطی خدماتی (کتاب‌خانه، کانون) | <ul style="list-style-type: none"> — احساس احترام نسبت به خداوند — توجه به استفاده از این نهادها در رفع نیازهای اجتماعی — تمایل به رعایت اصول امانت‌داری و بردباری — احساس رضایت خاطر نسبت به آگاهی از زندگی شاعران و دانشمندان — احساس علاقه نسبت به آداب و رسوم و کشور ایران — احساس لذت از مشارکت در فعالیت‌های مفید اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> — انجام اعمال احترام آمیز نسبت به خداوند — توانایی در انجام قوانین و مقررات مربوط به این نهادها — توانایی در انجام فرائض دینی — رعایت قوانین و مقررات در صورت عضویت در این نهادها |

اهداف برنامه‌ی درسی فارسی سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی پیش حرفه‌ای

| حیطه شناختی | حیطه عاطفی | حیطه مهارتی |
|--|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با صفت بخشندگی خداوند - آشنایی با مناسبت‌های ملی و جهانی و مؤسسات و نهادهای ایران - آشنایی با اصول اخلاقی کمک به دیگران و گذشت - آشنایی با شخصیت‌های علمی و ادبی (ابوعلی سینا، سعدی) - آشنایی با اعیاد ملی و کشور ایران - آشنایی با مفهوم ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی | <ul style="list-style-type: none"> - احساس احترام نسبت به صفات خداوند - اشتیاق برای شناخت این مناسبت‌ها و نهادهای - توجه و تمایل داشتن به خصلت اخلاقی کمک به دیگران و گذشت - علاقه به مطالعه شرح احوال زندگی شخصیت‌های علمی و ادبی - تمایل به مطالعه در خصوص آداب و رسوم ملی و شناخت ایران - تمایل به استفاده صحیح از وسایل ارتباط جمعی | <ul style="list-style-type: none"> - ادای احترام و قدرشناسی به خداوند - انجام مقررات مربوط به این نهادها در صورت لزوم - کمک به دیگران در مواقع ضروری و نشان دادن از خود گذشتگی - توانایی در خصوص کسب اطلاعات در مورد زندگی دانشمندان و شاعران - کسب اطلاعات در مورد عیدها و مکان‌های دیدنی کشور ایران - حفظ و احترام گذاشتن به آداب و رسوم - توانایی برقراری ارتباط صحیح - توانایی استفاده صحیح از وسایل ارتباط جمعی (رایانه) |

اهداف فرعی (کارکرد ثانویه)

اهداف زیر معرف کارکردهای ثانویه درس فارسی در جهت کمک به تحقق اهدافی است که مسئولیت آن در درجه‌ی نخست برعهده‌ی این درس نمی‌باشد. اهدافی که تقریباً در تمامی پایه‌ها پیگیری می‌شود به شرح ذیل است.

| ردیف | درس | اهداف | نسبت با درس فارسی |
|------|-----------------------------|---|---|
| ۱ | مهارت‌های اجتماعی - اقتصادی | <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با محیط خانه - مدرسه و اجتماع - رعایت حقوق دیگران در محیط خانه مدرسه و اجتماع - تقویت برخی از ارزش‌های فرهنگی - اخلاقی در محیط، مدرسه، خانه و اجتماع - تقویت روحیه‌ی ملی و میهنی. | <ul style="list-style-type: none"> کلیه‌ی پایه‌ها براساس ارتباط موضوعی |

| | | | |
|---|---------------------|--|--|
| ۲ | علوم تجربی و بهداشت | - تقویّت استفاده از حواس مختلف - توانایی انجام مشاهدات ساده - تقویّت وظایف فردی در حفظ محیط زیست - رعایت بهداشت فردی و اجتماعی. | کلیه ی پایه ها براساس ارتباط موضوعی |
| ۳ | دینی | - تقویّت روحیه ی خداشناسی - تقویّت مسائل ارزشی و آداب و اخلاق اسلامی - تقویّت انجام فرایض دینی. | کلیه ی پایه ها براساس ارتباط موضوعی |
| ۴ | هنر | - توانایی استفاده از ماهیچه ها و عضلات کوچک - تقویّت حسّ زیبایی شناسی - تقویّت روحیه ی خلاقیت و نوآوری. | کلیه ی پایه ها براساس ارتباط موضوعی |
| ۵ | ریاضی | - تقویّت توانایی حلّ مسئله - تقویّت توانایی درک و فهم توالی و رویدادها. | کلیه ی پایه ها براساس ارتباط موضوعی |
| ۶ | حرفه و فن | - تقویّت مهارت های حرکتی و هماهنگی در استفاده از ماهیچه ها و عضلات ظریف و درشت - توانایی انجام برخی فعالیت های ساده و حرفه ای - رعایت نکات ایمنی کار. | کلیه ی پایه ها براساس ارتباط موضوعی |
| ۷ | تربیت بدنی | - تقویّت مهارت در حرکات بنیادی تقویّت مهارت در بهبود و توسعه ی توانایی های ادراکی - حرکتی. | کلیه پایه ها براساس ارتباط موضوعی |
| ۸ | بین رشته ای (عمومی) | - تقویّت مهارت های کارگروهی - تقویّت روحیه ی شاد و نشاط - تقویّت مهارت کسب اطلاعات از راه های مختلف - تقویّت روحیه ی پشتکار و تلاش برای رسیدن به هدف خود - تقویّت مهارت های شناخت خود - تقویّت مهارت های دوست یابی - تقویّت مهارت های برنامه ریزی - تلاش درشناخت و سازگاری های بلوغ (سنی - جسمی و اجتماعی). | کلیه ی پایه ها در تمام دروس |

جدول وسعت و توانی مهارت‌ها

جدول وسعت و توالی مهارت گوش دادن در برنامه‌ی آموزش زبان و

ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش حرفه‌ای

| پایه مهارت | اول | دوم | سوم |
|--------------------------------------|---|---|---|
| توجه و تمرکز در پیام | <ul style="list-style-type: none"> توجه و دقت به سخنان خود و دیگران ترکیب واج‌ها بازشناسی اجزای کلمه توجه و تمرکز به متن‌های ساده، شعرها، قصه‌ها و... توجه و دقت در کل پیام. | <ul style="list-style-type: none"> توجه و دقت به سخنان خود و دیگران توجه و دقت در کل پیام تمرکز بر ساختار کلمه در جمله به‌طور غیرمستقیم تشخیص و بازشناسی اجزای کلمه التذاذ از شعرها، سرودها و... | <ul style="list-style-type: none"> توجه و دقت به سخنان خود و دیگران توجه و دقت در کل پیام تمرکز بر ساختار کلمه در جمله به‌طور غیرمستقیم تشخیص و بازشناسی اجزای کلمه التذاذ از شعرها، سرودها و... |
| دقت در آهنگ کلام | <ul style="list-style-type: none"> توجه به آهنگ کلام و تأثیرپذیری از کلام تشخیص منظور کلام از لحن و آهنگ آن. | <ul style="list-style-type: none"> توجه به آهنگ کلام و تأثیرپذیری از کلام تشخیص منظور کلام از لحن و آهنگ آن تشخیص جملات عاطفی، خبری و پرسشی. | <ul style="list-style-type: none"> تشخیص منظور کلام از لحن و آهنگ آن تشخیص جملات عاطفی، پرسشی و خبری. |
| توانایی درک سخن و دریافت پیام | <ul style="list-style-type: none"> پیروی از دستورالعمل‌های ساده با توالی صحیح فهمیدن کلیاتی از مطالب شنیده شده فهمیدن معنای واژه‌ها در گفتار | <ul style="list-style-type: none"> پیروی از دستورالعمل‌های پیچیده با توالی صحیح فهمیدن معنای واژه‌ها در گفتار درک نظرهای اصلی گوینده. | <ul style="list-style-type: none"> پیروی از دستورالعمل‌های کمی پیچیده با توالی صحیح فهمیدن معنای واژه‌ها در گفتار درک نظرهای اصلی گوینده جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب شنیده شده. |
| دریافت ارتباط بین بخش‌های مختلف پیام | <ul style="list-style-type: none"> تشخیص توالی رویدادها در قصه‌های شنیده شده تغییر عنوان برای یک قصه. | <ul style="list-style-type: none"> تشخیص توالی رویدادها در قصه‌های شنیده شده تشخیص ارتباط یک بخش از مطالب شنیده شده با بخش‌های دیگر آن عنوان‌سازی برای یک قصه یا مطلب شنیده شده. | <ul style="list-style-type: none"> تشخیص توالی رویدادها در قصه‌های شنیده شده تشخیص ارتباط یک بخش از مطالب شنیده شده با بخش‌های دیگر آن عنوان‌سازی برای یک قصه یا مطلب شنیده شده. |
| بررسی شنیده‌ها | <ul style="list-style-type: none"> بررسی مطالب شنیده شده. | <ul style="list-style-type: none"> بررسی مطالب شنیده شده تمیز درستی از نادرستی مطالب شنیده شده. | <ul style="list-style-type: none"> بررسی مطالب شنیده شده تمیز درستی از نادرستی مطالب شنیده شده بررسی و نقد یک داستان. |

جدول وسعت و توالی سخن گفتن در برنامه‌ی آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش حرفه‌ای

| پایه مهارت | اول | دوم | سوم |
|-----------------------------------|--|--|--|
| به کارگیری کارافزار مناسب ارتباطی | <ul style="list-style-type: none"> سخن گفتن با لحن و آهنگ مناسب تناسب حرکات سر و دست با گفتار. | <ul style="list-style-type: none"> سخن گفتن با لحن و آهنگ مناسب به کارگیری حالات متناسب گفتار در چهره (حالت شادی، غم و...). | <ul style="list-style-type: none"> سخن گفتن با لحن و آهنگ مناسب به کارگیری حالات متناسب گفتار در چهره (حالت شادی، غم و...). |
| مناسب برای مخاطبان | <ul style="list-style-type: none"> به کارگیری برخی کلمات و عبارات متناسب با موقعیت (سلام، خداحافظی، تشکر و...). | <ul style="list-style-type: none"> به کارگیری برخی کلمات و عبارات متناسب با موقعیت (سلام، خداحافظی، تشکر و...) صحبت کردن متناسب با موقعیت و افراد مختلف. | <ul style="list-style-type: none"> صحبت کردن متناسب با موقعیت و افراد مختلف. |
| سخن گفتن در برابر جمع | <ul style="list-style-type: none"> صحبت کردن قابل فهم برای دیگران صحبت کردن بدون اضطراب و شتابزدگی. | <ul style="list-style-type: none"> صحبت کردن قابل فهم برای دیگران صحبت کردن بدون اضطراب و شتابزدگی صحبت کردن در جمع. | <ul style="list-style-type: none"> صحبت کردن در جمع بیان جمله‌ها با صحت دستوری مصاحبه. |
| توالی سخن گفتن در برابر جمع | <ul style="list-style-type: none"> صحبت کردن درباره‌ی خود و اشیای اطراف و تصاویر بیان کردن قصه در تصاویر متوالی داستان. | <ul style="list-style-type: none"> توضیح درباره‌ی ارتباط بین تصاویر داستانی با یک متن کوتاه و ساده خاطره گویی. | <ul style="list-style-type: none"> صحبت کردن درباره‌ی پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی خاطره گویی. |
| رساندن پیام | <ul style="list-style-type: none"> ساختن و بیان جمله‌ی معنادار از کلمات درهم ریخته نتیجه‌گیری از قصه‌های مصور نتیجه‌گیری از قصه‌های نسبتاً کوتاه. | <ul style="list-style-type: none"> نتیجه‌گیری از قصه‌های نسبتاً کوتاه تکمیل سخن نیمه تمام. | <ul style="list-style-type: none"> تکمیل سخن نیمه تمام تکمیل داستان خلاصه گویی درباره‌ی گفتار. |
| پاسخ‌گویی به پرسش‌ها | <ul style="list-style-type: none"> تکمیل یک قصه‌ی مصور. | <ul style="list-style-type: none"> تکمیل قصه‌های غیرتصویری کشف علت وقوع رویدادها در قصه‌های ساده انتخاب راه‌حل مناسب برای شخصیت گرفتار شده در داستان. | <ul style="list-style-type: none"> پیش‌گویی درباره‌ی وقوع رویدادها در داستان و بیان علت آن ارائه‌ی راه‌حل مناسب برای شخصیت گرفتار شده در داستان. |

جدول وسعت و توالی سخن گفتن در برنامه‌ی آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش حرفه‌ای

| پایه مهارت | اول | دوم | سوم |
|-------------------------------------|--|---|--|
| توانایی شرکت در بحث‌ها و گفت و گوها | – گفت و گو در گروه‌های کوچک. – بحث و گفت و گو درباره‌ی دیده‌ها و شنیده‌ها | – گفت و گو در گروه‌های کوچک – بحث و گفت و گو درباره‌ی دیده‌ها و شنیده‌ها | – گفت و گو در گروه‌های کوچک – بحث و گفت و گو درباره‌ی دیده‌ها و شنیده‌ها. |
| برقراری ارتباط موثر عاطفی با شنونده | – گفت و گو در گروه‌های کوچک. | – تأیید یا ردّ گفته‌های دیگران به صورت کلامی و غیرکلامی – بیان احساس خود درباره‌ی شخصیت قصه‌های مصوّر. | – بیان احساس خود درباره‌ی شخصیت قصه‌ها و متون درسی. |

جدول وسعت و توالی مهارت خواندن در برنامه‌ی آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی پیش حرفه‌ای

| پایه مهارت | اول | دوم | سوم |
|--|---|---|---|
| توانایی خواندن نمادهای نوشتاری | <ul style="list-style-type: none"> – توانایی بازشناسی واحدهای زبان – توانایی درک معنا – توانایی صحیح خوانی – توانایی خواندن با صدای بلند – توانایی پاسخ به سؤال‌های طرح شده از متن – توانایی صامت‌خوانی متن‌های کوتاه و ساده. | <ul style="list-style-type: none"> – توانایی بازشناسی واحدهای زبان – توانایی درک معنا – توانایی صحیح خوانی – توانایی خواندن با صدای بلند – توانایی پاسخ به سؤال‌های طرح شده از متن – توانایی صامت‌خوانی متن‌های متوسط و ساده. | <ul style="list-style-type: none"> – توانایی بازشناسی واحدهای زبان – توانایی درک معنا – توانایی صحیح خوانی – توانایی خواندن با صدای بلند – توانایی پاسخ به سؤال طرح شده از متن – توانایی صامت‌خوانی متن‌های متوسط و کمی پیچیده. |
| توانایی خواندن متون با لحن و آهنگ مناسب | <ul style="list-style-type: none"> – خواندن جملات خبری، پرسشی و عاطفی با لحن و آهنگ مناسب. – کوتاهی، بلندی و قطع مناسب صدا در خواندن. | <ul style="list-style-type: none"> – خواندن جملات خبری، پرسشی و عاطفی با لحن و آهنگ مناسب – کوتاهی، بلندی و قطع مناسب صدا در خواندن. | <ul style="list-style-type: none"> – خواندن جملات خبری، پرسشی و عاطفی با لحن و آهنگ مناسب – کوتاهی، بلندی و قطع مناسب صدا در خواندن – تأثیرگذاری بر دیگران در حین خواندن. |
| کسب عادات مطلوب در خواندن (به کارگیری عملی خواندن) | <ul style="list-style-type: none"> – صحیح نشستن، حفظ فاصله با کتاب – خواندن کتاب‌های آسان – خواندن روزنامه، مجله‌ها و ... – خواندن تابلوها، نام‌ها و نشانی‌های محیط زندگی – خواندن علایم راهنمایی و رانندگی – لذت بردن از خواندن. | <ul style="list-style-type: none"> – خواندن تقویم، سالنامه – خواندن فهرست کتاب‌ها و انتخاب بخش‌های مورد نیاز خود از روی فهرست کتاب – پرکردن اوقات فراغت با مطالعه – لذت بردن از خواندن. | <ul style="list-style-type: none"> – خواندن تقویم، سالنامه – خواندن فهرست کتاب‌ها و انتخاب بخش‌های مورد نیاز خود از روی فهرست کتاب – خواندن نمودارها، جداول – پرکردن اوقات فراغت با مطالعه – لذت بردن از خواندن. |
| توانایی بلند خوانی و صامت خوانی | <ul style="list-style-type: none"> – خواندن با تلفظ صحیح و لحن مناسب – سعی در افزایش تدریجی سرعت خواندن – تمرکز افکار. | <ul style="list-style-type: none"> – سرعت مناسب در خواندن – روان و سلیس خواندن – رعایت نکات مربوط به صامت-خوانی – تمرکز افکار. | <ul style="list-style-type: none"> – سرعت مناسب در خواندن – روان و سلیس خواندن – رعایت نکات مربوط به صامت-خوانی – تمرکز افکار. |

جدول وسعت و توالی مهارت خواندن در برنامه‌ی آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی
پیش‌حرفه‌ای

| پایه مهارت | اول | دوم | سوم |
|--|---|--|--|
| درک تالیفی پیام درک نوشته‌ها، اصلی آن‌ها | – تشخیص معنا از تصاویر و نوشته‌های کوتاه و ساده. | – تشخیص معانی از نوشته‌های کمی طولانی‌تر – درک نوشته‌ها با زبان ادبی ساده. | – تشخیص معانی از نوشته‌های کمی طولانی‌تر – درک نوشته‌ها با زبان ادبی ساده. |
| درک تالیفی ارتباط بین بخش‌های مختلف یک نوشته | – درک توالی رویدادها در تصاویر و داستان‌های کوتاه و ساده. | – درک توالی رویدادها در تصاویر و داستان‌های کوتاه و ساده. | – درک توالی رویدادها در تصاویر و داستان‌های کوتاه و ساده. |
| درک تالیفی بررسی متن | – تشخیص تفاوت و تشابه معنایی در بین دو دسته تصاویر یا دو قصه‌ی کوتاه. | – تشخیص شباهت و تفاوت معنایی در دو متن کوتاه و ساده – بررسی و نقد یک نوشته. | – تشخیص شباهت و تفاوت معنایی در دو متن کوتاه و ساده – بررسی و نقد یک نوشته. |

جدول وسعت و توالی مهارت نوشتن در برنامه‌ی آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی
پیش‌حرفه‌ای

| مهارت | پایه | اول | دوم | سوم |
|--|------|--|--|--|
| به کارگیری درست علائم و نشانه‌های زبان | | - درست‌نویسی و خوانا نویسی. | - درست‌نویسی و خوانا نویسی - زیبا نویسی و سریع نویسی. | - درست‌نویسی و خوانا نویسی - زیبا نویسی و سریع نویسی. |
| نوشتن جملات و جملات شنیده شده | | - نوشتن املا‌ی صحیح با در نظر گرفتن معانی - داشتن تصویر کلی از کلمه و عبارت کوتاه در ذهن قبل از نوشتن - داشتن تصویر کلی از کلمه و عبارت کوتاه در ذهن قبل از نوشتن. | - نوشتن املا‌ی صحیح با در نظر گرفتن معانی. | - داشتن تصویر کلی از کلمه و عبارت کوتاه در ذهن قبل از نوشتن - نوشتن املا‌ی صحیح با در نظر گرفتن معانی. |
| علائم ستاره‌گذاری از | | - رعایت علائم نقطه‌گذاری در املا و انشا (سه نشانه). | - رعایت علائم نقطه‌گذاری در املاء و انشا (چهار نشانه). | - رعایت علائم نقطه‌گذاری در املاء و انشا (چهار نشانه). |
| کاربرد درست کلمات در جمله | | - هم نشینی مناسب کلمات در جمله جمله با توجه به مشخصه‌های معنایی آن‌ها در قالب تصویر - هم نشینی مناسب کلمه در جمله از نظر دستوری (فعل، اسم). | - هم نشینی مناسب کلمات در جمله با توجه به مشخصه‌های معنایی آن‌ها در قالب تصویر - هم نشینی مناسب کلمه در جمله از نظر دستوری (فعل، اسم) - هم نشینی متضاد درج در جمله - هم نشینی مناسب واژه‌ی هم معنا. | - هم نشینی مناسب کلمات در جمله توجه به مشخصه‌های معنایی آن‌ها - هم نشینی مناسب کلمه در جمله نظر دستوری (فعل، اسم، قید، حرف ربط و حرف اضافه) - هم نشینی متضاد در جمله - هم نشینی مناسب واژه‌ی هم معنا. |
| نوشتن یک متن | | - نوشتن یک جمله با استفاده از یک کلمه‌ی محسوس - نوشتن چند جمله‌ی ساده برای تصاویر یا اشیا و رویدادهای محسوس. | - نوشتن یک جمله با کلمه‌ی ذهنی-تر - نوشتن چند جمله برای تصاویر یا رویدادها - نوشتن یک انشای کوتاه برای یک پدیده‌ی آشنا. | - نوشتن یک انشای کوتاه برای یک پدیده‌ی آشنا - نوشتن احساسات، مقاصد و منظوره‌ای خود. |

| | | | |
|-----------------|--|--|--|
| فناوری در نگارش | - تبدیل یک جمله‌ی گفتاری کوتاه و ساده به نوشتار - اضافه کردن یک جمله به آخر نوشته. | - تبدیل یک قصه‌ی کوتاه شنیده شده به نوشتار - نوشتن نتیجه‌ی یک داستان کوتاه - نوشتن یک نامه‌ی دوستانه | - تبدیل یک خاطره‌ی گفته شده به نوشتار - نوشتن نتیجه‌ی یک داستان کوتاه - نوشتن یک نامه‌ی دوستانه |
| | - یادداشت برداری از دیده‌ها و نوشته‌ها - اضافه کردن یک یا چند جمله به آخر نوشته - گزارش‌نویسی از دیده‌ها و شنیده‌ها - تصحیح نوشتاری یک متن کوتاه و ساده. | - یادداشت برداری از دیده‌ها و نوشته‌ها - اضافه کردن یک یا چند جمله به آخر نوشته - گزارش‌نویسی از دیده‌ها و شنیده‌ها - تصحیح نوشتاری یک متن کوتاه و ساده. | - یادداشت برداری از دیده‌ها و شنیده‌ها - اضافه کردن یک یا چند جمله به آخر نوشته - گزارش‌نویسی از دیده‌ها و شنیده‌ها - تصحیح نوشتاری یک متن کوتاه و ساده. |

ساختار کتاب‌های فارسی

کتاب‌های فارسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی پیش حرفه‌ای در دو بخش، خواندن و نوشتن، سازمان‌دهی و تدوین شده است.

| | | |
|---|---|-----------------------------|
| ۱- متن درس ۲- تصویر ۳- فعالیت‌ها | تحمیدیه (ستایش) فصل اول: نهادها فصل دوم: اخلاق فردی و اجتماعی فصل سوم: نام‌ها و یادها فصل چهارم: سرزمین من فصل پنجم: اطلاعات و ارتباطات نیایش | ساختار کتاب «بخوانیم» |
| ۱- درک و دریافت ۲- بین و بگو ۳- نکته ۴- بگرد و پیدا کن ۵- فعالیت ویژه | | |

توضیح

- کتاب دارای پنج فصل است که با تحمیدیه (ستایش) آغاز و به نیایش ختم می‌شود.
- هر فصل شامل دو درس و یک متن روان‌خوانی است.
- کتاب دارای دوازده درس است.
- ۱- متن درس: روش ارائه‌ی درس‌ها به شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم خواهد بود.

شیوه‌ی مستقیم شامل ارائه‌ی اطلاعات و شیوه‌ی غیرمستقیم، ارائه‌ی مطالب در قالب‌هایی چون داستان، خاطره و... می‌باشد.

۲- تصاویر: از تصاویر زیبا، جذاب، پرکشش با رنگ‌آمیزی زنده، همخوان با درون مایه‌ی درس، در جهت تقویت فهم و درک محتوا استفاده شده است.

۳- فعالیت‌ها: فعالیت‌های پیش‌بینی شده عبارت‌اند از: «درک و دریافت»، «بین و بگو»، «بگرد و پیدا کن»، «نکته» و «فعالیت ویژه».

ساختار کتاب «بنویسیم»

در کنار مهارت خواندن و به موازات آن، مهارت‌های نوشتاری تمرین و تقویت می‌شود. در هر درس، مجموعه‌ای از فعالیت‌های نوشتاری، مبتنی بر آموزش‌های بخش خواندن در نظر گرفته شده است.

استقلال این بخش به معنای هویت بخشیدن به املا و انشای فارسی و تأکید بر جایگاه و اهمیت این دو درس در فرایند آموزش است.

توضیحاتی درباره‌ی فعالیت‌های کتاب «بخوانیم»

۱- درک و دریافت: فعالیت درک و دریافت معمولاً اولین فعالیت کتاب «بخوانیم» پس از پایان هر درس است که در دوره‌ی پیش‌حرفه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. این فعالیت، کلاس را با تعامل میان معلم و دانش‌آموز مواجه می‌سازد. توجه، دقت، تمرکز حواس، ارتقای درک شنوایی و مهارت در گفت و شنود، از دستاوردهای این فعالیت است.

از دیگر اهداف این فعالیت، ارزش‌یابی میزان درک دانش‌آموزان از مطالب درسی است. با این فعالیت، هم معلم در می‌یابد که دانش‌آموز تا چه حد محتوا و پیام درس را دریافت کرده است و هم دانش‌آموز به نوعی خود ارزش‌یابی دست می‌یابد و مفاهیمی را که درک نکرده است، از زبان هم کلاسی خود می‌شنود و خلأ اطلاعاتی‌اش را جبران می‌کند.

توصیه:

۱- هنگام پرسش، به دانش‌آموزان فرصت فکر کردن و مشورت بدهید.

۲- دانش‌آموزان را تشویق کنید تا پاسخ‌های خود را در قالب گفتار مبسوطی بیان کنند و از پاسخ‌های یک واژه‌ای مانند «بله» و «خیر» پرهیزند.

۳- دانش‌آموزان را تمرین دهید تا پرسش به طور کامل خوانده نشده است، پاسخ خود را آغاز نکنند. این کار عادت گوش دادن کامل را ایجاد خواهد کرد.

۴- دانش‌آموزان را عادت دهید تا پیش از جواب دادن، فکر کنند و پاسخ خود را دقیق و منسجم بیان دارند.

۵- از دانش‌آموزان بخواهید علاوه بر پاسخی که از متن درس یافته‌اند، نظر خود را نیز درباره‌ی سؤال مطرح کنند.

۲- **بین و بگو:** در این فعالیت از کتاب «بخوانیم» لازم است تا دانش‌آموز تصاویر را به خوبی مشاهده کند و آن چه را دیده است به زبان بیاورد. دانش‌آموز باید این توانایی را بیابد که تصاویر متوالی را به یکدیگر ارتباط دهد و مضمون مندرج در آن‌ها را از آغاز تا پایان، دنبال کند. تصاویر متوالی در این فعالیت، معمولاً درباره‌ی موضوعات اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است و ضمن این که سواد بصری دانش‌آموزان را بالا می‌برد، یک نکته‌ی تربیتی، اخلاقی و اجتماعی هم در پی دارد. نظم و انسجام فکری، تقویت حافظه‌ی بصری، برقراری ارتباط بین درونداد و برونداد ذهنی، ارتقای درک شنوایی و رشد و پرورش قوه‌ی بیان، از جمله اهداف زبان‌آموزی است که در این فعالیت به ثمر می‌رسد. توصیه می‌شود معلم به نکات زیر توجه کند:

۱- دانش‌آموزان را تشویق کنید تا با دقت جزئیات مندرج در تصویر را نگاه کنند.

۲- درباره‌ی تصاویر با یکدیگر گفت و گو کنند و آن‌ها را با مسائل زندگی و محیط اطراف خود پیوند دهند.

۳- چنان چه رویدادهای حاوی آن‌ها با کتاب‌هایی که تاکنون خوانده و یا فیلم‌هایی که دیده‌اند، مشابه است یا چنین اتفاقی در زندگی‌شان رخ داده است، به یاد آورند.

۴- درباره‌ی علت رخدادهای تصاویر متوالی توضیح دهند و به دنبال راه حل باشند.

۵- آن‌ها را تشویق کنید تا توضیحات خود را به صورت مبسوط نه به طور کوتاه بیان کنند.

۶- از دانش‌آموزان بخواهید تا درباره‌ی رویدادهای تصاویر اظهار نظر کنند.

۳- **بگرد و پیدا کن:** این فعالیت از کتاب «بخوانیم» بدین منظور است که دانش‌آموزان پس از این که متن درس را خواندند و موضوع و درون‌مایه‌ی آن را فهمیدند، دوباره به درس رجوع و به شیوه‌ای هدف‌مند و نظام‌دار در آن کند و کاو و جست و جو کنند. منظور از این مراجعت به درس برای پیدا کردن نکاتی که از آن‌ها خواسته شده، مرور درس به شیوه‌ای فعالانه است.

پرسش‌هایی که زیرمجموعه‌ی فعالیت مذکور را تشکیل می‌دهند بر چند دسته‌اند؛ برخی سمت

و سویی در جهت آموزش املا دارد؛ مانند تمرین‌هایی چون: پیدا کردن کلمه‌هایی که دارای یکی از حروف الفباست، پیدا کردن کلمه‌هایی که حروف تکراری دارد، یافتن کلماتی که تعداد اشکال نماد نوشتاریشان بیش‌تر است یا پیدا کردن کلمه‌هایی که ویژگی‌هایی مانند تشدید، تنوین و غیره دارند. در این دسته فعالیت‌ها، هدف این است که ضمن مرور و نگاهی به کل متن درس، توجه آن‌ها به ارتباط معنایی فعالیت‌ها افزایش یابد. به هر حال، دانش‌آموز برای یافتن پاسخ سؤال، به متن درس رجوع می‌کند که نه تنها بافت آن درس – چه از نظر واژگانی، چه از نظر نحوی و چه از نظر معنایی یا آوایی – برای او روشن می‌شود بلکه مرورهای مکرر درس برای وی خسته‌کننده نیست؛ زیرا هر بار در پی رسیدن به هدف است و چنانچه دقتش مناسب باشد، در هر بار مراجعه به درس، نکته‌های زبانی دیگری که هدف سؤال نیست نیز توجه او را به خود جلب می‌کند. این فعالیت پرورش حس کنجکاوی، جست‌وجوگری و پشتکار را در دانش‌آموز تقویت می‌کند.

برای پیشبرد اهداف این فعالیت، توصیه می‌شود به نکات زیر توجه کنید:

۱- از دانش‌آموزان بخواهید برای پیدا کردن پاسخ پرسش، کل درس را از اول تا آخر مرور کنند.

۲- بهتر است جست‌وجو برای یافتن پاسخ سؤال را گروهی انجام بدهند (گروه‌های دو نفره زودتر به نتیجه می‌رسند). می‌توان گاه این فعالیت را به صورت مسابقه اجرا کرد. گروه‌هایی هم می‌توانند با توجه به ویژگی‌هایی که از قبل برایشان مشخص می‌شود، برنده یا بازنده شوند و بدین ترتیب شور و هیجان را در کلاس ایجاد کرد.

۳- شرایطی فراهم کنید تا بعد از پیدا کردن مورد زبانی که از آن‌ها خواسته شده، آن را به موقعیت‌های دیگر ارتباط دهند؛ مثلاً اگر مشابه آن را در درس‌های قبل یا در کتاب‌های دیگر یا در محیط واقعی خانه، مدرسه و... داشته‌اند یا دیده و شنیده‌اند، به یاد آوردند و در کلاس بازگو کنند.

۴- بعد از پاسخ دادن به فعالیت «بگرد و پیدا کن»، از دانش‌آموزان بپرسید که چه نکته‌های خاص دیگری در درس پیدا کرده‌اند.

۴- نکته: برای به کارگیری درست زبان و توفیق در برقراری ارتباط گفتاری و نوشتاری و نیز سازمان‌دهی بهتر فکر و ذهن، دانش‌آموز باید الگوهای دستوری صحیحی را در زبان فارسی معیار بداند و نیز عادت کند که آن‌ها را در گفته‌ها و نوشته‌های خود به کار ببندد.

در کتاب «بخوانیم» دوره‌ی راهنمایی تحصیلی پیش‌حرفه‌ای، فعالیتی به نام «نکته» آمده است تا

دانش‌آموزان از طریق آن ساخت نحوی زبان را بشناسند. یکی از انتظارات ما در این فعالیت، این است که دانش‌آموزان بتوانند بین عناصر گوناگون یک جمله به منظور رساندن پیام آن، رابطه‌ی هم‌نشینی برقرار کنند؛ مثلاً، اگر در جمله‌ای یک کلمه (با هر نقش دستوری) حذف شده است، آن را در جای مناسب خود قرار دهند. علاوه بر هم‌نشینی، مهارت به کارگیری درست محور جایگزینی نیز ضروری است و دانش‌آموز باید بتواند به جای یکی از کلمه‌های مندرج در آن جمله، کلمه‌ی مناسب دیگری جایگزین کند. این امر در زبان‌آموزی نقش مؤثری ایفا می‌کند.

اگر استفاده از محور جایگزینی نبود، ذهن نمی‌توانست هزاران هزار جمله را برحسب موقعیت‌های متفاوت عیناً در حافظه انبار کند و مسلماً در کار رفع نیازهای ارتباطی فرو می‌ماند و از عهده‌ی بیان موقعیت‌های تازه و ناآشنا بر نمی‌آمد. استفاده از محور جایگزین، زبان را پویا، زیبا و خلاق کرده است. بیش‌تر تمرین‌ها مربوط به فعالیت «نکته» در سال اول پیش‌حرفه‌ای گسترش واژگان، به کارگیری صفت، پسوند و پیشوند است.

برای پیشبرد اهداف این فعالیت، توصیه می‌شود به نکات زیر توجه کنید :

۱- از دانش‌آموزان بخواهید واژه‌های جدیدی را که یاد می‌گیرند، به سایر بخش‌های زندگی روزانه‌ی خود تعمیم دهند.

۲- در برخورد با واژگان، از آن‌ها بخواهید به یاد آورند که چند بار، در کجا و چگونه با این واژه تماس داشته‌اند.

۳- با استفاده از تجارب زبانی دانش‌آموزان و هدایت و راهنمایی آن‌ها، فضایی در کلاس ایجاد کنید تا هر یک از واژه‌های جدیدی که یاد گرفته می‌شود، تعریف شود.

۴- فرصت‌هایی فراهم آورید تا دانش‌آموزان واژه‌های جدید را در گفتار و نوشتار خود به کار ببرند.

۵- فعالیت‌های ویژه

الف) نمایش : نمایش بروز افکار، احساسات، عواطف و تظاهر آن‌ها به نحوی بر چهره و دیگر اعضا و اندام‌های بدن است. در فعالیت‌های نمایشی، بازی‌های نمایشی است که به دو شکل صامت و گویا اجرا می‌شود. در نمایش صامت، که پانتومیم نامیده می‌شود، تصویر افکار، احساسات و عواطف روی صورت و اندام‌های بدن به‌ویژه دست‌ها تجلی می‌یابد.

نوع دیگر نمایش با گفت وگو همراه است که در آن با روند داستانی دنبال می‌شود. بازیگران با حرکات نمایشی و گفت وگو، حوادث و شخصیت‌های داستان را به گونه‌ای مجسم می‌کنند تا هم

داستان را اجرا کنند و هم در بیننده تأثیر لازم را بگذارند. در هر یک از گونه‌های نمایشی و در صورت زیاد بودن عده‌ی دانش‌آموزان، چند نفر بازیگر انتخاب و در مکانی معین، نقش‌ها به آن‌ها واگذار می‌شود تا نمایش را اجرا کنند.

نوع دیگر نمایش، نمایش خلاق است. نمایش خلاق یک فعالیت نمایشی سازمان یافته است که بیش‌ترین تأکید آن بر عوامل انجام دادن کار است تا بر حاصل کار. این فعالیت باید به خودی خود خلاق باشد و عمق بیش‌تر شخصیت‌ها و نکته‌های نهفته در نمایش را نشان بدهد. نمایش خلاق از هر گونه رسمیت رهاست و هدف آن، بیش‌تر ایجاد رضایت خاطر در افرادی است که در آن نمایش درگیر شده‌اند. این فعالیت بخشی از طبیعت دانش‌آموز است و دبیران محترم می‌توانند آن را به کار گیرند. دبیر بیش از آن که وارد مرحله‌ی فعالیت نمایش خلاق شود، باید فضای مناسبی به وجود آورد تا دانش‌آموزان احساس امنیت کنند. برای دستیابی مطلوب‌تر به ارزش‌های نمایش خلاق، بهتر است فعالیت‌هایی برای آماده‌سازی دانش‌آموزان صورت گیرد. بازی‌هایی مانند «چیستان»، «حدس زدن»، چه «احساسی دارم» و...، به آماده‌سازی دانش‌آموزان برای موفقیت در نمایش خلاق کمک می‌کند.

نمایش، یکی از فعالیت‌های مورد تأکید در برنامه‌ی درس زبان‌آموزی است که در پایه‌های متفاوت پیش‌حرفه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد و اجرای مطلوب آن به تحقق بسیاری از اهداف زبان‌آموزی منجر می‌شود. به طور کلی، نمایش بر رفتار دانش‌آموزان تأثیرات مثبت آموزشی و پرورشی دارد که آثار آن‌ها در رشد و پرورش کلیه‌ی ابعاد شخصیتی مشهود است. برخی از این تأثیرات آموزشی و تربیتی را می‌توان به صورت زیر بر شمرد:

- از مهم‌ترین تأثیرات نمایش، کمک به دانش‌آموز برای بیان فکر، احساس، عواطف و به طور کلی کمک به ابراز وجود خود در میان جمع است که از اهداف اساسی زبان‌آموزی به‌شمار می‌رود. در نمایش خلاق، این اهداف با انسجام و نظم فکری و بالا رفتن درک شنوایی نیز همراه خواهد بود.
- در نمایش، شرایطی فراهم می‌آید که مفاهیم ناملموس و انتزاعی، هم برای بازیگر و هم تماشاگر، محسوس و آشنا شود؛ بنابراین، مفهوم آموزشی نیز از اتفاقات مورد توجه در نمایش و از اهداف زبان‌آموزی است.

- نمایش امکانی فراهم می‌آورد تا خلاقیت و ابتکار دانش‌آموزان، که در قالب ذهن و اندیشه است، به عمل و حرکت در آید و عینی شود؛ بنابراین، شکوفایی، خلاقیت و پرورش تخیل از جمله دستاوردهای دیگر نمایش است.

● با نمایش، طول تمرکز، توجه و دقت تماشاگر و بازیگر افزایش می‌یابد؛ تشخیص و بازشناسی – به ویژه در تماشاجی – از طریق درک مفهومی به مفهوم دیگر یا انتقال مقدمه به نتیجه یا از صحنه‌ای به صحنه‌ی دیگر رشد می‌یابد. این امر به رشد شناختی در دانش‌آموزان کمک زیادی می‌کند.

● از آن‌جا که اجرای نمایش با تحرک بدنی همراه است، بین اندام‌ها و عضلات کوچک و بزرگ دانش‌آموزان هماهنگی ایجاد و به طور کلی به رشد جسمانی آن‌ها کمک می‌شود.

● از دیگر ثمره‌های بازی‌های نمایشی، آشنا شدن دانش‌آموزان با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است؛ زیرا الگوهای مقبول جامعه به بازیگر و تماشاجی شناسایی می‌شود و دانش‌آموزان فرصتی پیدا می‌کنند با آن الگو همانندسازی کنند و شخصیت خود را شکل بدهند. به علاوه، آثار مترتب بر رفتارهای نامناسب و نیز عواقب نامطلوب این رفتارها بر بازیگر و بیننده آشکار می‌شود؛ به طور کلی، اجرای رفتارهای مطلوب در صحنه‌ی نمایش، تشخیص و تمیز خوب از بد را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

● از دستاوردهای دیگر بازی‌های نمایشی، ایجاد روح جمعی، همکاری و تعاون در دانش‌آموزان است و آنان طریقه‌ی ارتباط با دیگران را، که یکی از مهارت‌های اساسی در زندگی اجتماعی است، یاد می‌گیرند.

● در بازی‌های نمایشی، دانش‌آموزان نظم و ترتیب و بسیاری از قواعد و مقررات مربوط به زندگی واقعی را یاد می‌گیرند و به راه حل‌های مناسبی برای مسائل زندگی می‌اندیشند.

● از آن‌جا که نمایش با هنر آمیخته است و هنر زیبایی‌شناسی را در درون خود دارد، این فعالیت به پرورش روحیه‌ی زیبایی‌شناسی در دانش‌آموزان می‌انجامد.

● نمایش موجبات شادی، نشاط و انبساط خاطر را در دانش‌آموزان فراهم می‌آورد و از خشک و خستگی‌زا شدن برنامه‌های کلاس می‌کاهد.

● نمایش درمان خوبی برای دانش‌آموزان کمرو و منزوی و نیز آنان‌هایی است که مدت زمانی به رویا فرو می‌روند و از دنیای بیرون فاصله می‌گیرند. هم‌چنین، وسیله‌ای برای بالا بردن اعتماد به نفس، خودباوری و آگاه کردن دانش‌آموزان از توانایی خویش است.

● دانش‌آموزان یاد می‌گیرند تا در محیط‌های خارج از کلاس و مدرسه، اوقات فراغت خود را با این بازی به شکل نظام‌دارتری بارور سازند.

برای اجرای مطلوب‌تر نمایش و برای این که نمایش تأثیرات پرورشی و آموزشی بیش‌تری بر رفتار دانش‌آموزان داشته باشد، پیشنهاد می‌شود به توصیه‌ها و نکات زیر توجه کنید :

- مدت نمایش بیش از حد طولانی نباشد تا دانش‌آموزان خسته نشوند.
- هدف از اجرای نمایش تربیت بازیگر و بازیگری نیست بلکه تحقق پاره‌ای از اهداف زبان‌آموزی، رشد خلاقیت و انتقال ارزش‌های تربیتی در برنامه است؛ بنابراین، به هیچ وجه در حین بازی به دانش‌آموزان امر و نهی نکنید، به آن‌ها دستورهای مستقیم ندهید، آنان را تحت فشار نگذارید. هدایت و راهنمایی‌های شما باید بیش‌تر جنبه‌ی غیرمستقیم داشته باشد؛ زیرا در اجرای نمایش‌ها شکوفایی خلاقیت مورد توجه است. تذکرات متوالی و فشار بیش از حد بر دانش‌آموزان سبب بی‌علاقه شدن، گرفتن ابتکار و استقلال، و از بین رفتن اعتماد به نفس در آنان می‌شود.
- چون اجرای نمایش به انعطاف‌پذیری بدن نیز نیازمند است، توصیه می‌شود از بازی‌هایی که با تحرک بدنی همراه است، به ویژه بازی‌های ورزشی، استفاده کنند. بهره‌گیری از بازی‌هایی که موجب استفاده از فکر و دست می‌شود، هماهنگی لازم بین ماهیچه‌ها و اعضای بدن را فراهم می‌آورد و مهارت آن‌ها را در اجرای نمایش بیش‌تر می‌کند.
- هنگام نمایش، از دانش‌آموزان بخواهید بازی‌های مشابه نمایش فعلی را که در گذشته انجام داده یا دیده‌اند، به یاد بیاورند و برای هم کلاسی‌ها یا افراد هم گروه خود بیان کنند.
- در برخی نمایش‌ها، می‌توانید دانش‌آموزان را قبل از اجرای نمایش گروه‌بندی کنید و از آن‌ها بخواهید برای اجرای بهتر آن، با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازند، مراحل متفاوت نمایش را طراحی و پس از تعیین نقش‌ها، آن را اجرا کنند.
- از دانش‌آموزان، چه آن‌هایی که قرار است نمایش را اجرا کنند و چه آن‌هایی که تماشاگرند، بخواهید راه‌هایی را برای جالب‌تر و هیجان‌تر کردن نمایش بیابند.
- از دانش‌آموزان بخواهید صورت لازم، صدا و لحن خود را تغییر بدهند تا نمایش را شیرین‌تر کنند.
- در نمایش، بازیگری از هر چیز برای دانش‌آموزان مهم‌تر است؛ بنابراین در صورت فراهم نبودن امکانات، اجرای نمایش را متوقف نکنید؛ زیرا دانش‌آموزان امکانات مورد نظر خود را فراهم می‌آورند؛ مثلاً به جای موسیقی و صدا از استعداد خود بهره می‌گیرند و صداها را با دهان تولید می‌کنند یا برای لباس و آرایش صحنه، از چیزی که در دسترس داشته باشند، استفاده می‌کنند. بکوشید برای آرایش صحنه، چهره‌آرایی (گرم) لباس، موسیقی صحنه و دیگر عناصر نمایش، از فکر و ابتکار دانش‌آموزان بهره بگیرید.
- دانش‌آموزان بیش‌تر دوست دارند بازیگر باشند تا تماشاگر؛ بنابراین، به گونه‌ای برنامه‌ریزی

کنید تا نوبت بازی به همه‌ی آنان برسد و آن‌ها بتوانند به تناوب، در نقش‌های گوناگون ظاهر شوند. در یک موضوع نمایش، عده‌ای از دانش‌آموزان می‌توانند بازی کنند و عده‌ای تماشاچی باشند و در نوبت بعد، جای خود را با هم عوض کنند.

● از انگیزه‌هایی که دانش‌آموزان را به تخیل وامی‌دارد، استفاده کنید.

● پس از اتمام پانتومیم یا اجرای نمایش صامت، از دانش‌آموزان تماشاچی بخواهید موضوع را حدس بزنند و درباره‌ی آن گفت و گو کنند.

● از آن دسته از دانش‌آموزانی که تماشاگرند، بخواهید پس از پایان نمایش، درباره‌ی آن صحبت کنند و برای بهتر شدن نمایش، پیشنهادهایی ارائه دهند.

● از تماشاگران بخواهید احساس خود را درباره‌ی آن چه در نمایش دیده‌اند، بیان کنند.

● ابتدا به بازی‌های نمایشی پردازید و سپس نمایش خلاق را در کلاس اجرا کنید.

ب) کتاب‌خوانی و قصه‌خوانی: کتاب مناسب، بهترین وسیله برای غنی‌تر کردن اوقات فراغت و لذت بردن از لحظات فراغت است. خواندن کتاب، عادت به مطالعه و انس با آن را در دانش‌آموز ایجاد می‌کند و باعث رشد کلامی، پرورش قدرت تفکر و اخذ اطلاعات و غنی کردن اندوخته‌ی ذهنی می‌شود. از طریق کتاب‌خوانی، گنجینه‌ی واژگانی و افق درک مفاهیم در دانش‌آموزان گسترش می‌یابد؛ زیرا شکل صحیح کلمات را به کرات می‌بینند و این شکل در ذهنشان نقش می‌بندد و آموزش املا نیز محقق می‌شود. به علاوه، با ساختار دستوری صحیح جملات و ترکیببندی درست در یک متن نیز آشنا می‌شوند و به بسیاری از مهارت‌های مندرج در برنامه‌های زبان‌آموزی دست می‌یابند.

خواندن کتاب‌های داستانی، ابزار مناسبی برای تربیت کودک و شکل‌گیری شخصیت وی در جهتی است که جامعه از او انتظار دارد و کتاب‌خوانی فرصتی فراهم می‌آورد تا بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و خصلت‌های پسندیده در کودک درونی شود. دانش‌آموز وقتی داستانی می‌خواند یا می‌شنود، دوست دارد خود را در متن آن بیابد و با شخصیت داستان همانندسازی کند؛ در نتیجه، الگوی شخصیتی موجود در داستان در کودک شکل می‌گیرد و او رفتارهای خود را با رفتارهای مطلوب شخصیت داستان، منطبق و همانند می‌سازد و از رفتارهای ناشایست شخصیت‌های منفی داستان، به خطا و اشکالات رفتارهای خود پی می‌برد. بر این اساس، سعی می‌کند به اصلاح و تغییر رفتار ناپسند خود پردازد. تخیل موجود در کتاب‌های داستانی (تخیلی) موجب تعدیل فشارهای ناشی از مشکلات زندگی و رفع ناکامی‌های کودک می‌شود.

بنابراین، رشد و پرورش همه جنبه‌ی شخصیت را می‌توان در استمرار خواندن کتاب‌های داستانی یافت. کودک نه تنها با شخصیت دردمند داستان احساس همدردی و نیز از شادی و موفقیت آن، احساس خوشحالی و همدلی را در خود نهادینه می‌کند بلکه زیبایی‌های موجود در کتاب هم، حس زیبا شناسی کودک را تحریک می‌کند و موجبات رشد عاطفی و نگرشی او را فراهم می‌آورد. دانش‌آموز با مطالعه‌ی داستان، بسیاری از رفتارهای اجتماعی و راه برقراری ارتباط مؤثر را یاد می‌گیرد و تجارب ارزشمندی از دنیای اطراف خود کسب می‌کند و به‌طور غیرمستقیم یا مستقیم، مطالب زیادی درباره‌ی علوم گوناگونی مانند تاریخ، جغرافیا، علوم تجربی و ریاضی فرا می‌گیرد.

بر این اساس، در برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی، بر فعالیت کتاب‌خوانی دانش‌آموزان تأکید زیادی شده است. توصیه می‌شود دانش‌آموزان کتاب بخوانند و در کلاس درباره‌ی عناصر داستانی آن از قبیل شخصیت‌ها، رویدادها و... صحبت کنند؛ به تصاویر آن توجه کنند، خلاصه‌ای از داستان را بگویند، درباره‌ی چرایی و چگونگی رویداد به وقوع پیوسته اظهارنظر و احساسات خود را نسبت به داستان بیان کنند. توصیه می‌شود براساس پرسش‌های کتاب، توجه دانش‌آموزان را به نام نویسنده، مترجم، ناشر و تاریخ نشر اثر جلب کنید.

فضایی در کلاس فراهم آورید تا دانش‌آموزان در گروه‌های ۲ یا ۳ نفره، کتاب را برای یکدیگر بخوانند و دیگران پس از گوش دادن، درباره‌ی آن با هم گفت و گو کنند. آن‌ها می‌توانند در گروه‌های خود به پرسش و پاسخ درباره‌ی کتاب‌های خوانده شده بپردازند.

پ) روان‌خوانی: اهداف این بخش شامل موارد زیر است:

۱- توسعه‌ی توانایی در خواندن نمادهای نوشتاری و تصویری

۲- توانایی دریافت ارتباطی معنایی در بخش‌های یک متن ساده

۳- توانایی درک پیام اصلی متن ساده

۴- توانایی بلندخوانی و صامت خوانی

۵- توانایی بررسی محتوای یک متن ساده

۶- توانایی به کارگیری کار افزارهای مناسب در خواندن

۷- توسعه‌ی عادات و آداب مطلوب در خواندن

۸- گسترش دایره‌ی دید در خواندن.

این بخش در آخر هر فصل آورده شده است.

کتاب شامل پنج فصل و در نتیجه، دارای پنج روان‌خوانی است که عناوین آن عبارت‌اند از

(۱) مسجد ما

(۲) درخت چنار و درخت توت

(۳) مرد کشاورز و پری دریایی

(۴) امان از حرف مردم

(۵) خرچنگ و مرغ ماهی‌خوار .

در آخر هر فصل، بخش روان‌خوانی در نظر گرفته شده که بدون تمرین است و حداقل انتظار مؤلفان، تقویت مهارت خواندن است. معلمان می‌توانند در صورت داشتن فرصت کافی، متن‌های روان‌خوانی دیگری را خود تهیه کنند و در اختیار دانش‌آموزان بگذارند.

الگوها و شیوه‌های تدریس

الگو: الگو به نمونه‌ی کوچکی از یک شیء بزرگ یا مجموعه‌ای نامحدود از اشیای بی‌شمار گفته می‌شود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیا را داشته باشد.^۱
تدریس: عبارت است از رفتار متقابل معلم و شاگرد براساس طرح منظم و هدفدار معلم به منظور تغییر مطلوب در رفتار شاگرد.

الگوی تدریس: چهارچوب نظری برای هماهنگ ساختن عناصر تدریس (هدف‌های کلی، جزئی رفتاری، محتوا، روش ارزش‌یابی) که در آن معلم به بررسی و کاوشگری در رابطه با موارد زیر می‌پردازد:

الف - تأثیر تدریس بر دانش و تجربه‌ی خود

ب - ایجاد الگوهای جدید حاصل از کاوش در آموزش رشته‌های علمی

پ - اجرای الگوی جدید

ت - آزمون

ث - بازخورد و افزایش دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان^۲

روش تدریس: روش تدریس راهی منظم و با قاعده برای ارائه‌ی محتوا می‌باشد.

۱- حاجی اسحاق - سهیلا: آموزش راه‌های یادگیری، ص ۱۲.

۲- همان منبع، ص ۱۳.

از تعاریف عنوان شده این گونه دریافت می‌کنیم که هر معلم در واقع با انتخاب الگویی خاص راه و روش و رسانه‌ی مورد لزوم برای رسیدن به هدف را نیز برگزیده است و باید هماهنگ با دیگر عناصر الگوی تدریس خود از دانش‌آموزان، آزمون به عمل آورد.

الگوی عمومی تدریس: الگوی تدریس در واقع نوعی طرح درس است و در مفهوم کلی، چارچوب معینی است که عناصر مهم تدریس در پیکره‌ی آن پیش‌بینی می‌شود. روش‌های تدریس برحسب فعالیت یا عدم فعالیت دانش‌آموز به دو دسته‌ی فعال و غیرفعال تقسیم می‌شوند. در روش‌های تدریس فعال، دانش‌آموز خود در فرایند آموزش شرکت می‌کند و محور اوست. (دانش‌آموز محوری) ولی در روش غیرفعال، یا معلم پیوسته سخن می‌گوید و عمل می‌کند و دانش‌آموز ساکت و بی‌حرکت می‌ماند (معلم محوری) یا این که معلم و دانش‌آموز هر یک به کار خود می‌پردازند و در کار هم دخالت نمی‌کنند.

بدیهی است هرگونه پیشرفت آموزشی در گرو فعالیت و دخالت دانش‌آموز در امر یادگیری است. الگوی عمومی تدریس، مقدمه‌ی هر نوع فرایند آموزشی مطلوب به شمار می‌رود. این الگو را که نخستین بار در سال ۱۹۶۱ رابرت گیلز معرفی کرد، پنج مرحله دارد:

۱) تعیین هدف‌های آموزشی و رفتاری: در تعیین اهداف آموزشی (کلی، جزئی و رفتاری) به سه حیطه‌ی شناختی، نگرشی و مهارتی باید توجه کرد. کتاب حاضر (راهنمای معلم) بر مبنای این توجه نوشته و تدوین شده است.

۲) تعیین پیش‌دانسته‌ها و ارزش‌یابی ورودی: معلم به منظور کسب اطمینان از آمادگی دانش‌آموز برای یادگیری درس، اطلاعات و تجارب قبلی (پیش‌سازمان‌دهنده‌ها) آن‌ها را پیش‌بینی و به صورت رفتارها و عملکردهای کاملاً روشن و قابل مشاهده بیان می‌کند. معلم برای تمام پیش‌دانسته‌ها سؤال‌هایی را آماده می‌سازد تا پیش از تدریس به دانش‌آموز ارائه کند.

بازخورد حاصل از این ارزش‌یابی، او را آگاه می‌سازد که آیا دانش‌آموزان برای یادگیری درس جدید آمادگی دارند یا لازم است قبل از شروع درس تازه درباره‌ی پیش‌نیازهای ضروری، تمرینی انجام گیرد.

۳) تعیین روش‌ها و وسایل آموزشی: در این مرحله، باید برای تدریس هر درس، از روش مناسب آن هم چون سخنرانی توضیحی، ایفای نقش، پژوهش و تحقق، تهیه‌ی گزارش، مصاحبه، پرسش و پاسخ و... بهره گرفت و از وسایل آموزشی و کمک آموزشی موجود و مناسب استفاده کرد.

۴) سازمان‌دهی شرایط و فعالیت‌های آموزشی: معلم باید اطلاعات و امکانات لازم برای

تدریس را از قبل پیش‌بینی و آماده کند. سپس تمام موارد را طوری کنار هم بچیند که کل تولید شده، معنادار و منسجم باشد (تهیه‌ی طرح درس).

۵) **تعیین نظام ارزش‌یابی (مرحله‌ای - پایانی) و سنجش عملکرد تدریس:** ارزش‌یابی بهترین راهنما برای ادامه دادن یا توقف تدریس است. سنجش موفقیت یا عدم آن از طریق ارزش‌یابی معلوم می‌شود (حسین قاسم‌پور، مجله‌ی رشد ادب فارسی).

شیوه‌های تدریس پیشنهادی:

برای تدریس، از شیوه‌های گوناگون یا ترکیب چند شیوه نیز می‌توان استفاده کرد. در این شیوه‌ها، به استفاده از شیوه‌های ویژه‌ی مناطق دو زبانه نیز توجه شده است.

مهم‌ترین شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱- یادگیری از طریق همیاری

۲- شیوه‌ی مشاوره - یادگیری

۳- شیوه‌ی رفتاری کامل

۴- شیوه‌ی نمایشی

۵- شیوه‌ی صامت

۶- شیوه‌ی نمایش نامه‌ای (ایفای نقش)

۷- شیوه‌ی بحث گروهی (مشاوره‌ای)

۸- شیوه‌ی پرسش و پاسخ.

۱- **یادگیری از طریق همیاری:** بسیاری از معلمان از فضای غیرفعال و شرایط خشک و غیرواقعی کلاس‌های خویش ناراضی‌اند. آنان روشی را جست و جو می‌کنند که بتوانند در دانش‌آموزان انگیزه‌ی کافی برای کسب دانش و انجام فعالیت‌های آموزشی ایجاد کنند. بحث دهه‌های اخیر میان مربیان تعلیم و تربیت این است که: «چگونه می‌توان یادگیری را به بهترین نحو آسان ساخت و بازده آن را افزایش داد.»

یکی از روش‌های آموزش (یادگیری از طریق همیاری) نظریه‌ی «سینرگوژی» (Synergogy) است. نظریه‌ی سینرگوژی برای آموزش دروس مختلف و موقعیت‌های متفاوت، چهار روش زیر را ارائه می‌دهد:

الف) طرح کارایی گروه

ب) طرح تدریس اعضای گروه

پ) طرح روشن سازی طرز تلقی
ت) طرح قضاوت عملکرد.

الف) طرح کارایی گروه (TED): در طرح کارایی گروه، دو فرضیه شکل می گیرد:

۱- دو فکر یا بیش تر، بهتر از یک فکر است. هر شخصی می تواند آن چه را می داند، برای دیگران توضیح دهد و نیز همه می توانند از یکدیگر فراگیرند.

۲- دانش آموزان، شرکت فعال در یادگیری مشارکتی را بسیار انگیزاننده می یابند.

۳- جهت آمادگی برای اجرای این طرح، معلم قبل از شروع کلاس، ابزار یادگیری یعنی تکالیف قبل از کار (یک تکلیف خواندنی یا ارائه ی یک وسیله سمعی بصری) و یک آزمون تلفیقی از انواع سؤال ها را که در بردارنده ی محتوای درس مورد نظر است، آماده می کند. کلید آزمون را نیز جداگانه در برگه ای می نویسد. سپس، دانش آموزان را به گروه هایی با اعضای ناهمگن (خوب، متوسط و ضعیف) در چهار گروه سه نفره تقسیم می کند.

۱- هر یک از اعضای گروه، دانش خود را قبل از بحث گروهی، ارزیابی می کند و آن چه را نوشته اند به طور انفرادی می خواند.

۲- بعد از یک مرور اولیه، به سؤال های آزمون، از موضوعی که قرار است آموخته شود پاسخ می دهد. اگر پاسخ به سؤال ها، به تشخیص معلم، به اطلاعاتی نیاز داشت، دانش آموز می تواند به متن مراجعه یا از منابع در دسترس استفاده کند.

۳- اعضای گروه درباره ی هر یک از پاسخ ها با یکدیگر بحث می کنند تا به توافق برسند. اعضا در ضمن بحث، گزینه ها و دلایل انتخاب خویش را ارائه می دهند. اولین کار در گروه، یادگیری این نکته است که اعضای گروه به یک مجموعه از پاسخ های مورد توافق برسند. آن ها این فرصت را می یابند تا اطلاعات را رد و بدل کرده، دلایل خود را توضیح دهند و دلایل و شواهد دیگران را نیز ارزیابی کنند.

۴- در این مرحله، کلید سؤال ها در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد و اعضای گروه، درک عمیقی از بهترین پاسخ ها به دست می آورند.

۵- اعضا، پاسخ های فردی و گروهی را نمره گذاری و نمره ی مؤثر بودن یادگیری را در گروه محاسبه می کنند (قبلاً چگونگی نمره گذاری به دانش آموزان آموخته می شود).

۶- برای جمع بندی مطالب آموخته شده و هم چنین ارزش یابی تکوینی، از فراگیرندگان پرسش می شود.

ب) طرح تدریس اعضای گروه (TMTD): طرح تدریس اعضای گروه مبتنی بر دو اصل است:

اصل اول این که هر یک از شرکت کنندگان، قسمت‌های متفاوتی از موضوع درسی را که قرار است تدریس شود، می‌خواند.

اصل دوم این که هر فراگیرنده می‌تواند به اعضای گروهش درس بدهد.

بنابراین، هر عضو هم به عنوان معلم و هم به عنوان شاگرد عمل می‌کند. وقتی دانش‌آموزان می‌فهمند که کارایی گروه مستلزم آن است که هر فرد یک بخش از موضوع را فراگیرد و سپس آن را به دیگران درس دهد، برانگیخته می‌شوند که با مطالعه‌ی بخش تعیین شده و آمادگی کامل، به گروه خود کمک کنند. هم چنین هر فرد به آن عضو از گروه که درس می‌دهد، کمک می‌کند که فراگیرنده بتواند تا آن جا که ممکن است، موفق باشد. با این روش، گروه می‌تواند یادگیری خود را به حداکثر برساند.

طرح تدریس اعضای گروه، این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درسی، طی یک دوره‌ی کوتاه زمانی با مطالعه‌ی گروه تحت پوشش قرار گیرد. در انتخاب متن مورد تدریس باید در نظر داشت که متن به بخش‌های مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد. بخش‌ها نیز از نظر طول و دشواری، تقریباً برابر باشند. جهت آمادگی برای اجرای طرح، معلم قبل از شروع کلاس، ابزار یادگیری، از جمله تقسیم متن به تعداد افراد گروه، آزمون و کلید آزمون را آماده می‌کند. تشکیل و ترکیب گروه‌ها در کلاس نیز از وظایف معلم است.

مراحل اجرا

۱- برای هر دانش‌آموز، یک بخش از موضوع تعیین شده است و او فقط تکلیف مربوط به خود را مطالعه می‌کند.

۲- دانش‌آموزان با هم‌تاهای خود که مسئول بخش مشترکی‌اند، دور هم جمع می‌شوند و برای رفع اشکال‌های خود و بهبود روش ارائه، تبادل نظر می‌کنند.

۳- وقتی اعضای گروه گرد هم می‌آیند، دانش‌آموزان به ترتیب و از اول، بخش‌های مربوط به خود را تدریس می‌کنند. اعضای دیگر گروه می‌توانند سؤال بپرسند، مخالفت کنند و یادداشت بردارند.

۴- از کل موضوع، آزمونی گرفته می‌شود.

۵- کلید سؤال‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آنان نمره‌های فردی و گروهی را محاسبه می‌کنند.

۶- کارایی تدریس دانش‌آموزان با توجه به جدولی که به آن‌ها ارائه می‌شود، ارزیابی می‌شود.
۷- از دانش‌آموزان، برای جمع‌بندی مطالب و اطمینان از یادگیری و ارزش‌یابی تکوینی، سؤال می‌شود. اگر نکته‌ی مهمی فراموش شده باشد، معلم آن را توضیح می‌دهد.

ب) **طرح روشن‌سازی طرز تلقی (CAD):** طرز تلقی افراد، عمیقاً روی مؤثر بودن و رضایت شخصی‌شان اثر می‌گذارد؛ از این رو، طرز تلقی جنبه‌ی مهمی از یادگیری احساس اجتماعی است. با وجود این، خیلی از افراد، طرز تلقی مسئله‌ای شخصی قلمداد می‌کنند. هر چند به کار بردن اجباری طرز تلقی‌های شخصی جایی در آموزش ندارد ولی اگر افراد بتوانند طرز تلقی‌هایشان را آزادانه بررسی کنند، بینشی به دست می‌آورند که می‌توانند رفتار خویش را کنترل کنند و دریابند که طرز تلقی‌شان تا چه حد ممکن است محدود یا کیفیت عملشان را محدود یا تحریف کند.

اولین مرحله در طرح روشن‌سازی طرز تلقی به فراگیرندگان کمک می‌کند تا با پاسخ دادن به یک سؤال یا تکمیل یک جمله، طرز تلقی خود را ارزیابی کنند. سپس فراگیرندگان دور هم جمع می‌شوند تا این طرز تلقی را مورد بررسی قرار دهند و به کمک شرایط شناخته شده و اطلاعاتی که در اختیار دارند، روی بهترین طرز تلقی به توافق برسند. سپس هر فرد پاسخ خود را ارائه می‌دهد تا مورد ارزیابی قرار گیرد. طرز تلقی افراد پس از بحث نیز ارزیابی می‌شود تا مشخص گردد که آیا تغییری رخ داده است یا خیر.

در زمان نقد، فراگیرندگان استنباط‌هایشان را در مورد هر تغییر در طرز تلقی ارزیابی می‌کنند و برای استنباط در مورد عمل خودشان، تعمیم‌هایی را بسط می‌دهند.
بنابراین، این طرح فراگیرندگان را قادر می‌سازد که کشف کنند «آیا طرز تلقی‌شان بر یک پایه‌ی محکم از حقایق، اطلاعات و منطق استوار است؟».

همین طور فراگیرندگان ممکن است دریابند که از طرز تلقی خود درباره‌ی موضوعی، نا آگاه بوده‌اند و هم چنین از طرز تلقی‌های موجود دیگری که ممکن بود بتوانند به کار ببرند، اطلاع نداشته‌اند. از آن جا که اکثر افراد تمایل دارند با افراد دیگری که ذهنشان مشابه آنان است، ارتباط برقرار کنند، طرز تلقی‌های خاصی تقویت می‌شود. این طرح برای شرکت‌کنندگان فرصتی فراهم می‌آورد تا عقاید متنوعی را بشنوند.

ت) **روش قضاوت عملکرد:** در این طرح با کسب درک روشنی از معیارها، آنان می‌توانند در مورد کیفیت کار خویش قضاوت کنند. در این صورت می‌توانند تا حدودی از ارزیابی کارشان توسط دیگری بی‌نیاز شوند. سپس هر شخص کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار فرد

را با دیگری و با معیارهایی که فرا گرفته‌اند، مقایسه می‌کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می‌کند؛ مثلاً، معلّم از گروه‌ها می‌خواهد تا ویژگی‌های یک شعر را بیان و جمع‌بندی کنند. سپس معلّم معیارهای علمی را ارائه داده و بدین ترتیب، آن‌ها عملکرد خود را مورد تجدید نظر و ارزیابی قرار می‌دهند.

۲- شیوه‌ی مشاوره - یادگیری : در این شیوه، کلاس بیش‌تر حالت یک گروه دارد؛ در این گروه، زبان برای ایجاد ارتباط به کار می‌رود. این گونه ارتباط، شرایط یادگیری را آسان می‌کند؛ در این شیوه، معلّم جلوی کلاس نمی‌ایستد بلکه در کنار جمع و در میان زبان‌آموزان قرار می‌گیرد تا نقش، قدرت و میزان دانش بالاتر او، حالت تهدید کننده‌ای برای زبان‌آموزان نداشته باشد. شیوه‌ی آموزش به این ترتیب است که هنگام برقراری ارتباط، یکی از زبان‌آموزان، پرسشی به زبان مادری می‌پرسد. معلّم آن را به زبان فارسی معیار ترجمه کرده. سپس زبان‌آموزان آن را به زبان فارسی معیار تکرار می‌کنند. زبان‌آموز دیگری پرسش را به زبان اوّل پاسخ می‌دهد و معلّم پاسخ را به زبان دوم برمی‌گرداند. زبان‌آموز دوم آن را تکرار می‌کند و به همین ترتیب، مکالمه ادامه می‌یابد. کم‌کم زبان‌آموز قادر می‌شود کلمه یا عبارتی را بدون ترجمه به زبان فارسی معیار بیان کند.

۳- شیوه‌ی رفتاری کامل : این شیوه، فعالیت بدنی را به طور مستقیم به کاربرد معنادار زبان پیوند می‌دهد. فرض اولیه‌ی این شیوه این است که زبان‌آموز شنونده‌ی محض نیست و فقط نباید به پاسخ‌های شفاهی معلّم اکتفا کند بلکه باید به حرف‌های او با دقت گوش دهد، حرکات معلّم را مشاهده کند و به طور عملی دستورات زبانی او را انجام دهد؛ مثلاً، معلّم با راه رفتن، واژه‌ی «راه رفتن» را یاد می‌دهد و از زبان‌آموز نیز می‌خواهد تا راه برود. سپس می‌گوید : «به طرف پنجره برو و آن را باز کن!» یعنی، فعل رفتن و وجه امری آن را در ساخت یک جمله‌ی دیگر عملاً تدریس می‌کند. البته باید گفت : «کاربرد این شیوه‌ی تدریس در شرایط عادی کلاس با محدودیت‌هایی رو به روست و فقط برای تعداد معدودی از واژگان و افعال زبان کاربرد دارد؛ مثل روشن کردن، خاموش کردن، نشستن، ایستادن، و...؛ اما برای آموزش مفاهیمی مانند دوست داشتن، پرواز کردن، شنا کردن و امثال این‌ها، با محدودیت رو به روست.»

۴- شیوه‌ی نمایشی (این روش بیش‌تر برای آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه کاربرد دارد)

به طور کلی می‌توان گفت که شیوه‌ی «رفتاری کامل» مبتنی بر اصول شیوه‌ی تدریس «نمایشی» که در آموزش موادّ درسی دیگر کاربرد دارد، است. متخصصان علوم تربیتی این شیوه را چنین

توصیف کرده‌اند: «شیوه‌ی نمایشی بر مشاهده و دیدن استوار است و در آن، افراد مهارت‌های خاصی را از طریق دیدن فرا می‌گیرند.»

اما تفاوت عمده‌ی شیوه‌ی «نمایشی» با شیوه‌ی «رفتاری کامل» در این است که در شیوه‌ی «نمایشی»، علاوه بر حرکات بدنی، از اشیاء هم در امر تدریس استفاده می‌شود. البته اگر هنگام تدریس، شیئی یا وسیله‌ی مورد نظر در دسترس نباشد یا دسترسی به آن مشکل باشد، می‌توان از نمونه یا مدل استفاده کرد؛ مثلاً، با استفاده از مدل بدن انسان می‌توان واژه‌هایی مثل دست، پا، سر، چشم، گوش و... را به دانش‌آموزان آموزش داد. این شیوه با شیوه‌ی «نمایش نامه» فرق دارد.

۵- شیوه‌ی صامت: (این روش عمدتاً برای آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه کاربرد دارد)

شیوه‌ی «صامت» نیز مانند شیوه‌ی «رفتاری کامل» مبتنی بر این فرض است که زبان‌آموزان به بافت و موقعیتی که معلم در کلاس به کار می‌برد، توجه کامل داشته باشند. آنان باید هم‌چنین توان ذهنی خود را برای دریافت معنای کلمه‌ها از طریق توجه به حرکات و کنش‌هایی که در کلاس ارائه می‌شود، صرف کنند. نکته‌ی اصلی این است که در شیوه‌ی تدریس «صامت»، معلم ساکت است و فقط اعمالی انجام می‌دهد. در این شیوه، از اشتیاق شاگردان به مکالمه با یکدیگر بدون اندک راهنمایی از جانب معلم استفاده می‌شود. یادگیری از طریق تعامل زبان‌آموزان با مواد آموزشی انجام می‌گیرد و یادگیرنده از آن فرایند برای کشف قواعد زبانی استفاده می‌کند.

در اولین مرحله‌ی آموزش، چهار وجه زبان یعنی «گوش کردن»، «حرف زدن»، «خواندن» و «نوشتن» در کنار هم آموزش داده می‌شوند. به این طریق، یادگیری هر کدام بر یادگیری سه وجه دیگر تأثیر مناسب می‌گذارد. در این شیوه، از یک وسیله‌ی آموزشی که دکمه‌های رنگی دارد و چارت‌هایی که عناصر زبانی به صورت رنگی در آن درج شده‌اند، استفاده می‌شود، معلم با استفاده از این «چارت رنگ - صدا» تدریس می‌کند. او زبان‌آموزان را راهنمایی می‌کند که با فشار دادن دکمه‌ی - مثلاً - آبی رنگ، تلفظ کلمه‌ی قلم را بشنوند و هم‌زمان با روشن شدن فضای کلمه - که آن هم آبی رنگ است - آن را روی چارت ببینند. زبان‌آموزان سپس با آن کلمه، جمله‌ای می‌سازند و می‌نویسند.

۶- شیوه‌ی نمایش نامه‌ای (ایفای نقش): این شیوه را می‌توان برای تجسم عینی موضوعاتی که برای نمایش نامه مناسب‌اند، به کار گرفت. در این شیوه، دو یا چند دانش‌آموز، موضوعی را به صورت نمایش نامه اجرا می‌کنند. بدیهی است این شیوه‌ی تدریس، به مهارت‌های خاص بازیگری نیاز ندارد بلکه معلم می‌تواند بنا به محتوای آموزشی مورد نظر، به ضرورت از آن استفاده کند. از ویژگی‌های مهم

شیوه‌ی ایفای نقش این است که زبان‌آموزان با نمایش و بازیگران آن، ارتباط عاطفی برقرار کرده و با هیجان، مراحل نمایش را مشاهده می‌کنند. به این طریق، دقت، تمرکز حواس و توجه به مطالب افزایش می‌یابد و یادگیری بهتر و مؤثرتر انجام می‌گیرد. هم چنین، این شیوه برای مقابله با کمروبی و خجالتی بودن برخی دانش‌آموزان که در کار دانش‌آموزی مشارکت کم‌تری دارند، بسیار مفید است. از این شیوه در تدوین محتوای کتاب «بخوانیم» در بخش «نمایش» استفاده شده است.

افرادی که در شیوه‌ی تدریس نمایش نامه‌ای نقش اساسی دارند، عبارت‌اند از:

- ۱- معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی و کارگردان نمایش
- ۲- دو یا چند دانش‌آموز به عنوان اجرا کننده‌ی درس و بازیگر
- ۳- بقیه‌ی دانش‌آموزان به عنوان یادگیرنده و تماشاگر (که پس از پایان نمایش می‌توانند درباره‌ی مسائل نمایش، اظهار نظر، سؤال و بحث کنند).

۷- شیوه‌ی بحث گروهی (مشاوره‌ای): این شیوه که اساساً یک شیوه‌ی تدریس شاگرد محور است، برای سطوح بالاتر از سطح پایه کاربرد دارد و برای شاگردان دوره‌ی پیش‌حرفه‌ای و متوسطه‌ی حرفه‌ای دارای فواید بسیاری است. در شیوه‌ی «بحث گروهی»، معلم در کنار صحنه می‌ماند و اجازه می‌دهد دانش‌آموزان با هم صحبت کنند و فقط هراز گاهی به سؤال‌های آنان پاسخ می‌دهد. اجرای این روش از هر روش دیگر دشوارتر است؛ چون، معلم باید کاملاً به روش مسلط باشد و دانش‌آموزان نیز با آمادگی قبلی وارد کلاس شوند. «اداره کردن کلاس و گفت و شنود» به نحوی که همه‌ی دانش‌آموزان در گفت و گو شرکت کنند و درباره‌ی اطلاعاتی که رد و بدل می‌شود، علاقه نشان دهند، کاری فوق‌العاده مشکل است. در این زمینه، روش مشاوره‌ای می‌تواند به موفقیت برنامه‌ی آموزش زبان کمک زیادی کند. در اجرای شیوه‌ی «بحث گروهی» باید شرایط زیر را رعایت کرد:

۱- موضوع منتخب، مورد علاقه‌ی مشترک دانش‌آموزان باشد؛ زیرا در این شیوه، دانش‌آموزان به جای یادگیری از طریق کتاب و معلم، خود در فرایند تدریس یادگیری مشارکت فعالانه دارند. این فعالیت، زمانی رنگ واقعیت به خود می‌گیرد که دانش‌آموزان به موضوع بحث، یافتن پاسخ و حل آن علاقه‌مند باشند.

۲- دانش‌آموزان درباره‌ی موضوع منتخب، اطلاعات کافی داشته باشند. طبیعی است همه‌ی ما در موضوعاتی که از کم و کیف آن‌ها اطلاع کافی نداریم، توان بحث و گفت و گو نخواهیم داشت.

۳- موضوع منتخب دارای، مطالب بحث انگیز باشد. موضوعات خنثی یا موضوعاتی که بحث‌انگیز نیستند، در این شیوه کاربرد ندارند.

شایان ذکر است که علاوه بر محدودیت سطح دانش و مهارت زبان‌آموزان، شیوه‌ی بحث‌گروهی در کلاس‌هایی قابل اجراست که تعداد شاگردان بین شش تا بیست نفر باشد.

۸- شیوه‌ی پرسش و پاسخ: معلم به وسیله‌ی شیوه‌ی «پرسش و پاسخ»، دانش‌آموز را به بیان مطلب مورد نظر هدایت می‌کند. معلم با طرح سؤال‌های مناسب در مرحله‌ی اول، شاگردان را به تفکر دعوت می‌کند و در مرحله‌ی دوم، آنان را به صحبت کردن وامی‌دارد. این شیوه، برای مرور مطالبی که زبان‌آموزان قبلاً آموخته‌اند و نیز ارزش‌یابی میزان یادگیری آنان مؤثر است. به کارگیری شیوه‌ی پرسش و پاسخ موجب تقویت اعتماد به نفس، تقویت تفکر خلاق و تسلط دانش‌آموزان بر تلفظ عناصر زبان می‌شود.

زبان‌شناسان و متخصصان آموزش زبان در شیوه‌ی «پرسش و پاسخ» چند روش یا فن دیگر تدریس هم ابداع کرده‌اند که مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف - ببین و بگو: معلم با نشان دادن تصاویر و اشیاء در مورد نام، رنگ، کارکرد و مسائل دیگر مربوط به تصویر یا شیء، سؤال می‌کند و دانش‌آموز با توجه به آن تصویر یا شیء پاسخ می‌دهد. نمونه‌هایی از این روش در تمرین‌های «ببین و بگو» در کتاب «بخوانیم» طراحی شده است.

ب - درک و دریافت: این روش نیز در قالب شیوه‌ی پرسش و پاسخ به کار می‌رود. معلم درباره‌ی موضوع مورد بحث از دانش‌آموزان سؤال می‌کند. یکی از دانش‌آموزان یا همه‌ی آنان به او پاسخ می‌دهند. نمونه‌هایی از این روش در تمرین‌های «درک و دریافت» در کتاب «بخوانیم» آمده است.

ارزش‌یابی

اگر یادگیری را تغییر در رفتار دانش‌آموز بر اثر تجربه‌های آموزشی بدانیم، ارزش‌یابی عبارت است از اندازه‌گیری میزان تغییرات ایجاد شده براساس هدف‌های تعیین شده در فعالیت‌های آموزشی و تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج آن. ارزش‌یابی همواره در جهت پیشرفت تحصیلی و ناظر بر هدف‌های آموزش است و در واقع، بدون توجه به هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده ارزش‌یابی تحصیلی معنا نخواهد داشت. در همین جهت، ترس و اضطراب از ارزش‌یابی در نزد دانش‌آموزان بیش‌تر ناشی از عملکرد نادرست معلمان و روش‌های نادرست ارزش‌یابی است. هدف‌های ارزش‌یابی را می‌توان در مقوله‌های زیر به طور کلی مورد بررسی قرار داد:

۱- ارزش‌یابی به‌عنوان وسیله‌ای برای شناخت توانایی و زمینه‌های علمی دانش‌آموزان و

تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های بعدی آموزشی است.

۲- برای شناساندن هدف‌های آموزشی در فرایند تدریس است.

۳- برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی است.

۴- برای شناخت نارسایی‌های آموزشی دانش‌آموزان و تلاش برای ترمیم و بهبود آن‌هاست.

۵- برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزش در دانش‌آموزان است، نه صرفاً برای

تهدید و تعیین افراد قوی و ضعیف.

ارزش‌یابی اگر چنانچه به نحو مطلوب انجام گیرد، مستقیماً در بهبود چگونگی یادگیری دانش‌آموزان تأثیر خواهد گذاشت، زیرا میزان تلاش را برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی و ایجاد انگیزه مشخص خواهد داد. هم‌چنین، ارزش‌یابی تدریجی و دائمی باعث مرور مطالب قبلی می‌شود.

انواع ارزش‌یابی :

۱- ارزش‌یابی تشخیصی؛ به منظور تعیین معلومات و رفتار ورودی، کشف دلایل اصلی مشکلات در یادگیری انجام می‌شود.

۲- ارزش‌یابی تکوینی؛ به منظور اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مراحل مختلف تدریس که دو مقوله‌ی گام به گام پیش رفتن در یادگیری و اصلاح روش تدریس را در بر می‌گیرد، انجام می‌شود.

۳- ارزش‌یابی پایانی (ارزش‌یابی تراکمی)؛ به منظور تعیین مقدار آموخته‌های شاگردان در طول یک دوره‌ی آموزشی و قضاوت درباره‌ی اثربخشی کار معلم و برنامه‌ی درسی انجام می‌گیرد.

انواع ارزش‌یابی بر حسب نحوه‌ی اجرا :

۱- ارزش‌یابی انفرادی؛ شامل ارزش‌یابی شفاهی یا عملی است.

۲- ارزش‌یابی گروهی؛ شرایط یکسانی را برای همه‌ی شاگردان فراهم می‌آورد و معمولاً به صورت کتبی است.

انواع ارزش‌یابی بر حسب تفسیر نتایج :

۱- ارزش‌یابی معیاری؛ بر اساس معیار و ملاک مطلق از قبل تعیین شده تهیه می‌شود.

۲- ارزش‌یابی هنجاری؛ بر مبنای معیار و ملاک نسبی فراهم شده و در آن، دانش‌آموزان از نمره‌ی زیاد به کم ردیف می‌شوند.

روش‌های مختلف ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

در فرایند ارزش‌یابی، معلّم نباید فقط به یک روش خاص اکتفا کند؛ زیرا بسیاری از جنبه‌های رفتاری مختلف دانش‌آموزان را نمی‌توان به مرحله‌ی آزمون‌های ساده تنزّل داد و باید آن‌ها را در موقعیت واقعی سنجید. با توجه به تغییراتی که در حیطه‌های مختلف یادگیری به وجود می‌آید، حداقل چهار روش ارزش‌یابی به شرح زیر وجود دارد:

۱- ارزش‌یابی از طریق مشاهده: هنگامی که به کمک حواس به خصوص دیدن در مورد رفتار یا عمل معینی از فرد داوری می‌کنیم، از روش مشاهده استفاده کرده‌ایم. این شیوه از جنبه‌های مختلف بررسی شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

– مشاهده از لحاظ تعمق و دقت

– مشاهده از لحاظ خارجی یا داخلی بودن

خارجی: مشاهده‌ی رفتار فرد در حین انجام عمل و ثبت خصایص وی.

د/خلی: بیان خصوصیات رفتاری توسط خود فرد.

– مشاهده از لحاظ موقعیت طبیعی و مصنوعی

طبیعی: بدون آگاهی، رفتار و کار دانش‌آموزان را زیر نظر بگیریم.

تصنعی: پس از فراهم کردن شرایط خاص، رفتار دانش‌آموز را بررسی کنیم.

– مشاهده‌ی مستقیم یا غیرمستقیم

در مشاهده‌ی مستقیم امکان بروز رفتار مصنوعی در دانش‌آموز زیاد است ولی در مشاهده‌ی غیرمستقیم، مشاهده‌کننده پنهان است و رفتاری طبیعی بررسی می‌شود.

۲- ارزش‌یابی از طریق کار: اگر تغییرات ایجاد شده در دانش‌آموز در حیطه‌ی روانی – حرکتی باشد، لزوماً ارزش‌یابی باید با این شیوه انجام شود و تفاوت آن با شیوه‌ی «مشاهده» در این است که دانش‌آموز می‌داند مورد آزمایش بوده و نیز شرایط برای همه یکسان است. امتحان آزمایشگاه، کارگاه و ورزش از این طریق انجام می‌گیرد.

ارزش‌یابی از طریق آزمون شفاهی شیوه‌ی مناسبی برای سنجش معلومات، قدرت بیان، نظم فکری، استدلال، تمرکز افکار و شناخت حالات درونی از جهت ترس و اضطراب است.

۳- ارزش‌یابی از طریق آزمون کتبی:

این آزمون بر دو نوع است.

الف – آزمون‌های استاندارد شده

ب- آزمون‌های معلّم ساخته.

آزمون‌های استاندارد شده توسط مؤسسات آزمون‌سازی به منظور ارزش‌یابی دوره‌های تحصیلی دانش‌آموزان طراحی می‌شود که همراه با راهنمای دقیق در اختیار معلّم قرار می‌گیرد و دارای پایایی و اعتبار است. آزمون‌هایی که معلّم طرح می‌کند غالباً برای تعیین میزان موفقیت دانش‌آموزان در رسیدن به هدف‌های آموزشی است.

تفاوت بین آزمون‌های استاندارد شده و آزمون‌های معلّم ساخته

۱- آزمون‌های استاندارد در مقایسه با آزمون‌های معلّم ساخته به زمان و تخصص بیش‌تری نیاز دارد.

۲- نتایج آزمون‌های استاندارد مشخص، قطعی و قابل بررسی است.

۳- آزمون‌های استاندارد برای استفاده در مناطق مختلف و مقایسه‌ی شاگردان مدارس مناطق مختلف با یکدیگر تهیه می‌شود.

انواع آزمون‌های معلّم ساخته : معمولاً به دو صورت «عینی» و «انشایی» است. آزمون‌های «عینی» دارای جواب معین و از پیش تعیین شده است که انواع آن عبارت‌اند از :

۱- پرسش‌های چندگزینه‌ای

۲- پرسش‌های صحیح و غلط

۳- پرسش‌های جور کردنی

۴- پرسش‌های کامل کردنی

۵- پرسش‌های کوتاه پاسخ.

آزمون تشریحی (انشایی) : بیش‌تر معلّمان به علّت سهولت تهیه شدن، از آزمون تشریحی استفاده می‌کنند. آزمون تشریحی برای ارزش‌یابی سطوح بالای شناختی، از جمله تجزیه و تحلیل، و ترکیب و قضاوت، بسیار اهمیت دارد ولی محدودیت‌هایی نیز از قبیل دخالت نظر تصحیح کننده، وقت‌گیر بودن تصحیح و عدم امکان سنجش سرعت انتقال و آمادگی ذهنی دانش‌آموزان، دارد.

نوع امتحان پایانی و نمره‌گذاری درس فارسی در دوره‌ی راهنمایی پیش‌حرفه‌ای

| ردیف | نام درس | کتبی | عملی | شفاهی | ملاحظات |
|------|--------------|------|------|-------|---------|
| ۱ | ادبیات فارسی | × | | × | |

✱ نمره درس ادبیات فارسی میانگین نمرات قرائت فارسی، املا، انشا و تمرین‌های مربوط به کتاب «بنویسیم» بوده و بارم هر کدام ۲۰ نمره است. ارزش‌یابی بخش املا و انشا کتبی و قرائت فارسی شفاهی است.

دانستنی‌های ضروری برای معلم

مهارت‌های شفاهی زبان و نقش آن‌ها در پیشبرد اهداف آموزشی

۱- مهارت گوش دادن: یادگیری، بیش‌تر به وسیله‌ی «مهارت گوش دادن» انجام می‌شود. برنامه‌ی زبان‌آموزی به انواع گوش دادن مؤثر از قبیل گوش دادن فعال، تحلیلی و التذادی توجه دارد. از معلم محترم انتظار می‌رود تا دانش‌آموزان را به تمرکز گوینده عادت دهد و بدین وسیله مهارت گوش دادن را در آنان تقویت کند و به تدریج طول زمان گوش دادن را بالا ببرد تا دانش‌آموزان با دقت و تمرکز بر سخنان گوینده، پیام او را دریافت کنند؛ نکات اصلی پیام را از نکات فرعی تمیز داده، صحت و سقم و نکات قوت و ضعف سخنان شنونده را تشخیص دهند. هم‌چنین آنان می‌توانند علاوه بر موارد ذکر شده از شنیدن کلام موزون، آهنگین یا از آواهای خوش در طبیعت لذت ببرند.

برای رساندن دانش‌آموزان به مهارت‌های بالا، از معلمان عزیز انتظار می‌رود که زمینه‌ی لازم را برای تحقق آن ایجاد کنند. لازم است ضمن تدریس با صدای رسا بکوشید تا حدّ ممکن از لهجه‌ی فارسی معیار استفاده کنید. هنگام صحبت کردن در سرعت ادای جمله‌ها تعادل داشته باشید؛ نه زیاد کند و بی‌روح و یکنواخت صحبت کنید و نه زیاد سریع و درهم و برهم. مطالب درسی را شمرده و واضح مطرح کنید. شعرها و تره‌های موجود در کتاب را با لحن و آهنگی مناسب بخوانند. علاوه بر این، سعی کنید سر و صداها را محیط مزاحم گوش دادن دانش‌آموزان نشود. در ضمن، به سلامت دستگاه شنوایی دانش‌آموزان نیز توجه داشته باشید.

۲- مهارت صحبت کردن: اگرچه کودک قبل از ورود به مدرسه چنین مهارتی را داراست ولی لازم است در مدرسه نیز این مهارت تقویت شود تا دانش‌آموزان بتوانند گفته‌های خود را به‌طور منجسم و در قالب یک الگوی دستوری با زبان معیار بیان کنند. آداب مربوط به این مهارت نیز باید

به تدریج به دانش آموز یاد داده شود تا او بداند که از کلمه ها و جمله ها متناسب با موقعیت استفاده کند.

در برنامه های زبان آموزی به رشد و توسعه ی این مهارت و گسترش گنجینه ی واژگانی دانش آموزان توجه خاصی شده است؛ بنابراین، از معلمان انتظار می رود تا دانش آموزان را به صورت های مختلف چه با معلم یا دانش آموزان یا در فعالیتهای گروهی، چه هنگام پاسخ به سؤالات یا ارتباطات معمولی بین معلم و شاگرد و دانش آموزان با یکدیگر در تعامل زبانی قرار گیرند تا علاوه بر پرورش مهارت صحبت کردن به برقراری ارتباط مؤثر و نیز به پرورش مهارت های اجتماعی مانند حس همکاری، روحیه ی تعاون، درک مشترک، پرورش حس همدلی برسند.

برای پرورش بهتر مهارت صحبت کردن به توصیه های زیر توجه شود :

دانش آموزان را عادت دهید تا قبل از صحبت کردن، درباره ی آن چه می خواهند بگویند فکر کرده، کل مطالب را در ذهن خود طراحی کنند و سپس درباره ی آن حرف بزنند. گفتنی است زمانی که پرسشی از دانش آموزان می کنید بهتر است به آن ها فرصت فکر کردن بدهید.

از دانش آموزان بخواهید تا تجارب و حاصل مشاهدات خارج یا داخل مدرسه را در کلاس بیان کنند. فرصت هایی را در کلاس فراهم کنید تا تجارب و مشاهدات خود را در گروه های دو یا سه نفری برای یکدیگر بگویند. درباره ی کتاب هایی که خوانده اند، توضیح دهند یا درباره ی علت وقوع رویداد داستان با یکدیگر گفت و گو کنند. راه حل هایی برای جلوگیری از وقوع رویداد ناخوشایند داستان ارائه کنند.

دانش آموزان را تشویق کنید تا درباره ی مسائل مختلف نظر بدهند و افکار و نظرات خود را در قالب گفتار مبسوط بیان کنند نه در قالب یک واژه یا جمله.

از دانش آموزان بخواهید تا هنگام صحبت کردن در کلاس از حرکات دست، چهره و... به طور مناسب استفاده کنند تا بهتر بتوانند منظور خود را به هم کلاسی هایشان تفهیم کنند.

۳- مهارت خواندن : خواندن، ترجمه ی مستقیم نمادهای نوشتاری به فکر یا گفتار است. خواندن مستلزم کسب مهارت های زیر است.

الف - بازشناسی حروف، کلمه ها و جمله های زبان در یک نوشته.

ب - درک معنای عناصر مذکور و کشف روابط معنایی موجود بین آن ها که در نهایت به درک پیام جمله و متن منجر می شود.

خواندن فرایند معناسازی از متن است. عوامل مؤثر در کسب موفقیت «خواندن» شامل موارد

زیر است :

۱- داشتن شناخت کافی فرد از دنیایی که در آن زندگی می‌کند؛ زیرا دانسته‌های قبلی دانش‌آموز به فهم بهتر متن کمک می‌کند و این دانسته‌ها، دانش و تفسیر او را هدایت کرده، درک جامع از متن را برای دانش‌آموز ممکن می‌سازد. توصیه می‌شود به منظور سهولت در درک بهتر متن، قبل از خواندن درباره‌ی آن، در مورد موضوع متن و نکات موجود در آن گفت‌وگو شود.

۲- دانش‌آموز بتواند از زبان خود برای توضیح دادن درباره‌ی متن، تعبیر، تفسیر، و تحلیل آن به خوبی استفاده کند؛ یعنی او بتواند از واژه‌ها و جمله‌ها برای بیان آن‌چه در متن به کار رفته است، استفاده کند. در این جا مشخص می‌شود که توجه به مهارت‌های شفاهی زبان مانند مهارت گوش دادن و صحبت کردن چه قدر حائز اهمیت است.

۳- ظرفیت‌های حافظه‌های کوتاه مدت و بلندمدت دانش‌آموز تقویت شود؛ برای تحقق این امر لازم است توجه دانش‌آموزان بر متن متمرکز شود. آن‌ها باید یاد بگیرند که حرکات چشمان خود را کنترل کنند. بر واژه‌های خاص تمرکز یابند و چشمان خود را از راست به چپ حرکت دهند. معنای واژه‌ها را در حافظه‌ی کوتاه مدت نگه دارند تا بتوانند معنای جمله یا بند را درک کنند.

مهم‌ترین اهدافی که در برنامه‌ی درس فارسی در پرورش خواندن دنبال می‌شود، عبارت‌اند از :

دانش‌آموزان مهارت‌های لازم را در بلندخوانی و صامت‌خوانی به دست آورند. اصول و ضوابط مربوط به بلندخوانی و صامت‌خوانی را رعایت کنند؛ مثلاً، بتوانند با لحن و آهنگ متناسب با متن و با حفظ عواطف موجود در متن، آن را بخوانند. فکر خود را در حین خواندن متمرکز کنند و افکار موجود در متن را بفهمند و به تعبیر و تفسیر آن بپردازند. بتوانند درباره‌ی متن خوانده شده اظهارنظر کنند. دایره‌ی دید خود را بر روی کلمات و عبارات به تدریج گسترش دهند.

شیوه‌ی تدریس متون ویژه‌ی روان‌خوانی : پیش از خواندن متن، به صورت شفاهی و با استفاده از شیوه‌های «داستان گویی» یا «سخنرانی»، درباره‌ی موضوع مورد نظر صحبت کنید و با ترغیب دانش‌آموزان و استفاده از شیوه‌ی «بحث و گفت‌گو»، آنان را در روند تدریس - یادگیری مشارکت دهید تا با استفاده از زبان گفتاری خود، مطالبی را درباره‌ی موضوع متن بیان کنند.

مهارت‌های خواندن

۱- خواندن با صدا :

الف) خواندن خطایی

۲- صامت خوانی (خواندن مستقل) :

الف) خواندن اجمالی

ب) مطالعه‌ی سریع (تندخوانی)

پ) گروه خوانی (عبارتخوانی).

خواندن خطابی : در این نوع خواندن، معمولاً معلّم یا یک دانش‌آموز متنی را خطاب به دیگران می‌خواند و بقیه‌ی دانش‌آموزان ضمن گوش کردن، به متن هم نگاه می‌کنند. معلّمان باید هنگامی که دانش‌آموزی با صدای بلند و به صورت خطابی متنی را می‌خواند، به طرز خواندن وی دقت کنند و اشکالات و اشتباهات را یادداشت و پس از پایان خواندن، به وی گوشزد کنند.

هم خوانی : در این نوع خواندن، معلّم با یک دانش‌آموز متن را می‌خواند و دانش‌آموزان دیگر با صدای بلند آن را تکرار می‌کنند. این معلّمان می‌توانند از این روش برای دانش‌آموزانی که در خواندن خطابی انفرادی خجالت می‌کشند، استفاده کنند.

خواندن اجمالی : هدف از این نوع مطالعه، دست‌یابی به نکته‌ها و مطالب مهم متن یا کتاب و کشف ساختار و مضمون کلی آن است. با خواندن اجمالی، دانش‌آموز محتوای متن یا کتاب را به طور مجمل ادراک می‌کند با ساختار کتاب از قبیل واحدهای پیش از متن (صفحه‌ی عنوان، صفحه‌ی شناسنامه، پیش‌گفتار، فهرست عناوین، جداول و... متن اصلی کتاب و واحدهای پس از متن (خلاصه‌ی مطالب، پرسش‌ها، فهرست منابع و...) آشنا می‌شود. سرعت تقریبی این نوع خواندن در حدود هزار تا چهار هزار کلمه در دقیقه است.

مطالعه‌ی اجمالی باعث می‌شود خواننده به توانایی‌هایی دست یابد :

الف - تعیین میزان اهمیت مطالب و طرح‌ریزی روش مناسب مطالعه‌ی متن یا کتاب.

ب - تخمین زدن مقدار مطالب و میزان داوری آن برای زمان‌بندی مطالعه .

پ - کسب دیدگاه کلی از مطالب، پیش از خواندن جزئیات برای افزایش میزان درک مطالب و نگهداری آن‌ها در حافظه.

ت - افزایش میزان دقت و تمرکز حواس از طریق افزایش میزان علاقه به مطلب.

باید به دانش‌آموزان آموخت که در خواندن اجمالی باید از جزئیات صرف نظر کنند و در جست‌وجوی نکات کلیدی، ارزیابی ساختار و ترتیب مطلب و سبک نگارش متن، رابطه‌ی بند (پاراگراف‌ها)، جمله‌ها و فصل‌های کتاب با هم، عناوین اصلی و فرعی متن و نمودارها و تصاویر باشند. معلّمان باید به دانش‌آموزان خود بیاموزند که در آغاز مطالعه‌ی هر کتاب، مجله یا هر متن دیگر، نخست

مرحله‌ی مطالعه‌ی اجمالی آن را انجام دهند.

مطالعه‌ی سریع (تندخوانی): هدف از این نوع مطالعه، کسب آشنایی با متن یا کتاب از طریق مرور آن‌ها با سرعت فوق‌العاده زیاد است. سرعت تقریبی در مطالعه‌ی سریع ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کلمه در دقیقه است.

تندخوانی مستلزم حرکت منظم و همراه با آهنگ مناسب چشم با سرعت زیاد بر روی صفحات و نیز هماهنگی ذهن با این حرکات است و دانش‌آموزان باید با تمرین زیاد با این نوع خواندن آشنا شوند. **گروه خوانی (عبارت‌خوانی):** ممکن است دانش‌آموزان هنگام خواندن، متن را کلمه به کلمه یا حتی حرف به حرف بخوانند. باید سعی شود در کلاس‌های دوم تا پنجم دبستان به «گروه خوانی» و سپس «جمله خوانی» مبادرت ورزند. سرعت تقریبی این نوع مطالعه بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه در دقیقه است. با توجه به این که هر جمله از یک یا چند گروه تشکیل می‌شود، معمولاً ساخت جمله‌های خبری زبان فارسی به شکل زیر است:

گروه اسمی + گروه فعلی ← جمله

مثال: پیامبر بزرگ اسلام + با یاران خود مشورت کرد.

اهداف اصلی گروه‌خوانی افزایش سرعت مطالعه است؛ بنابراین، دانش‌آموزان باید عادت کنند به جای خواندن کلمه‌ها به گروه‌ها و جمله بپردازند، مثلاً، به جای کلمه به کلمه خواندن گروه اسمی (پیامبر + بزرگ + اسلام)، این عبارت را یک جا به صورت «پیامبر بزرگ اسلام» بخوانند.

فواید گروه‌خوانی:

الف - افزایش سرعت مطالعه از طریق ترک عادت کلمه به کلمه خواندن

ب - افزایش درک مطلب از طریق بازشناسی اندیشه‌های نویسنده

پ - افزایش تمرکز حواس و لذت حاصل از مطالعه از طریق هماهنگ‌سازی سرعت خواندن با سرعت فکر کردن.

۴- مهارت نوشتن: زبان نوشتن نظامی از نشانه‌های مکتوب است که هر یک نماینده‌ی آواها و واژه‌ها در گفتار است. نوشتن، مانند گفتن، وسیله‌ی برقراری ارتباط، انتقال اطلاعات، بیان افکار و احساسات است؛ در حقیقت، نوشتن از یک طرف خلق افکار و اندیشه‌ها و از طرف دیگر، نظم‌بخشی به اندیشه‌ها در قالب زبان نوشتار است و مراحل زیر در آن صورت می‌گیرد:

الف - کشف چیزی که می‌خواهیم از طریق نوشتار بیان کنیم (انتخاب پیام)

ب - تنظیم و سازمان‌دهی پیام در قالب زبان نوشتار

پ - روی کاغذ آوردن پیام

ت - بازبینی و انجام دادن اصلاحات لازم

ث - ارائه‌ی نهایی به خواننده.

مراحل آموزش نوشتن به صورت زیر رده‌بندی می‌شود :

○ آموزش نوشتن غیر فعال مانند رونویسی

○ آموزش نوشتن نیمه فعال مانند املا

○ آموزش نوشتن فعال پایه‌ی یک مانند کلمه‌سازی

○ آموزش نوشتن فعال پایه‌ی دو مانند جمله‌سازی

○ آموزش نوشتن فعال (خلاق) مانند انشا و انواع آن.

آموزش املا

مهارت املانویسی به معنای صحیح‌نویسی حروف، کلمات و جمله‌های شنیده شده است. برای صحیح‌نویسی کلمه، دانش‌آموزان باید کلمات را خوب بشنوند و آن‌ها را درک کنند. سپس آن‌ها را در ذهن خود مجسم کنند و بعد بنویسند.

اشکالات املایی دانش‌آموزان از دیدگاه روان‌شناختی از موارد زیر سرچشمه می‌گیرد :

الف - ضعف در حساسیت شنوایی؛ مثال : ژله ← جاله

ب - ضعف در حافظه‌ی شنوایی؛ مثال : جا انداختن کلمات

پ - ضعف در حافظه‌ی دیداری؛ مثال : هیله ← هیله

ت - ضعف در حافظه‌ی قوایی دیداری؛ مثال : مادر ← مارد

ث - قرینه‌نویسی؛ مثال : دید ←

ج - وارونه‌نویسی؛ مثال : دید ←

چ - عدم دقت؛ مثال : گندم ← کندم

ح - نارسا‌نویسی؛ مثال : رستم ← رسم.

تعریف یادگیری

یادگیری به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است، گفته می‌شود و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی بدن مانند آن‌چه بر اثر بیماری، خستگی یا مصرف داروها

پدید می‌آید، نسبت داد. ویژگی‌های مهم این تعریف عبارت‌اند از :

۱- تغییر

۲- تغییر نسبتاً پایدار

۳- تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری

۴- تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری بر اثر تجربه.

برای روشن شدن تعریف یادگیری گفتنی است که براساس تعریف فوق، یادگیری به تغییر می‌انجامد؛ یعنی بعد از کسب تجربه‌ی یادگیری، انسان از حالت قبل از کسب تجربه به یک حالت تازه تغییر می‌یابد؛ مثلاً، در تغییر ناشی از یادگیری، دانش‌آموزی را در نظر بگیرید که مرکز استان خوزستان را نمی‌داند و حال آن را آموخته است. اگر قبلاً معلم از دانش‌آموز نام مرکز استان را می‌پرسید، او نمی‌توانست پاسخ درست بدهد. اما حال که او نام مرکز استان خوزستان را یاد گرفته است، هر زمان معلم یا کسی دیگر از دانش‌آموز در این باره سؤال کند او پاسخ درست خواهد داد؛ بنابراین، او نیز تغییر کرده است.

به سخن دیگر، ما پیوسته در اثر تجارب یادگیری در حال تغییریم و آن چه بیش از هر عامل دیگری سبب دگرگونی افراد در طول زندگی می‌شود، تجارب یادگیری‌اند.

منظور از تجربه در تعریف یادگیری، تاثیر متقابل بین محرک‌ها (بیرونی و درونی) و یادگیرنده است، بنابراین، خواندن یک کتاب، گوش دادن به یک سخنرانی، زمین خوردن کودک، فکر کردن و درمورد یک مطلب، تجربه به حساب می‌آیند که ممکن است به یادگیری، منجر شوند. تجربه در واقع نوعی داد و ستد بین فرد (یادگیرنده) و آن چه در زمان یادگیری، محیط او را تشکیل می‌دهد، گفته می‌شود.

عوامل مؤثر در یادگیری :

۱- آمادگی دانش‌آموز : دانش‌آموز باید از لحاظ جسمی، عاطفی و عقلی رشد کافی کرده و شرایط یادگیری و تغییر رفتار در او فراهم شده باشد. سلامت بدنی، روانی و عقلی سه شرط لازم در امر یادگیری است و آن چه مهم است رشد هم زمان این سه عامل است. در صورت فراهم نبودن این عوامل، یادگیری دچار اختلال خواهد شد.

۲- انگیزه و هدف دانش‌آموز : یادگیری بدون برخورداری از انگیزه و هدف میسر نیست. انگیزه، محرکی است که نیروی فعالیت را افزایش می‌دهد و هدف نیز به فعالیت انسان سمت و سو می‌بخشد. اگر دانش‌آموزان بخواهند در ضمن یادگیری، فعال باشند باید به موضوعی که می‌خواهند فرا بگیرند علاقه‌مند باشند.

علاقه توسط مدرسه، معلم و خانواده ایجاد می‌شود. با توجه به نیازهای دانش‌آموزان، مواد آموزشی در آنان ایجاد انگیزه می‌کند. هدف زیربنای انگیزه است؛ به طوری که اگر انسان در زندگی خود هدفمند باشد، انگیزه‌ی رسیدن به آن اهداف، وی را وادار به فعالیت بیش‌تری می‌کند. وقتی هدف نظام آموزشی از درس عربی، آشنایی با زبان قرآن و فرهنگ و معارف اسلامی و مهارت یافتن در ترجمه و فهم متون باشد، در صورت پذیرش این هدف از سوی دانش‌آموز، انگیزه‌ی فراگیری این زبان نیز در او ایجاد خواهد شد و این انگیزه، نیروی فعالیت او را افزایش خواهد داد.

۳- موقعیت یادگیری: موقعیت و محیط یادگیری به طور مستقیم بر یادگیری اثر می‌گذارد. محیط یادگیری یا فیزیکی است مانند نور، هوا، مساحت، تجهیزات و امکانات آموزشی، نیروی انسانی و... و یا عاطفی است نظیر رابطه‌ی معلم و شاگرد، رابطه‌ی دانش‌آموزان با یکدیگر، رابطه‌ی میان والدین و رابطه‌ی والدین با فرزند. گفتنی است وضع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هزاران عامل محیطی دیگر بر کیفیت یادگیری شاگردان مؤثر است.

۴- روش تدریس معلم: بدون شک، معلم از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده‌ی محیط‌های آموزشی است و روش کار او بر روند یادگیری تأثیر مستقیم دارد. اگر معلم به اصول عملی و نظری یادگیری آشنا باشد و تدریس را فقط انتقال واقعیت‌ها یا تئوری‌های علمی نداند و تجارب یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس و گوش دادن و حفظ کردن مطالب تصور نکند، مسلماً در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان موفقیت زیادی کسب خواهد کرد. ولی اگر معلم خود را راهنما و ایجادکننده‌ی شرایط مطلوب یادگیری بداند و به جای انتقال یک سویه‌ی مطالب، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد و از این طریق، روش خوب زندگی کردن را به او یاد دهد، دانش‌آموزان واکنش مثبتی از خود بروز خواهند داد.

۵- تمرین و تکرار: حتماً ضرب‌المثل قدیمی «کار نیکو کردن از پر کردن است» و «الدرس حرف و التکرار الف» را شنیده‌اید. تأثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن و به‌ویژه در حیطه‌ی مهارت‌ها انکارناپذیر است. البته کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا عدم تثبیت رفتار دارد.

۶- ارتباط: ارتباط عبارت است از فرایند انتقال و تبادل افکار، اندیشه‌ها، احساسات و عقاید دو فرد یا بیش‌تر با استفاده از علائم و نمادهای مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر. بی‌تردید، اگر تدریس را معادل مفهوم ارتباط نگیریم، دست‌کم باید ارتباط را شرط لازم تدریس در فرایند آموزش به حساب آوریم. هیچ‌گونه یادگیری یا تغییر در فرایند تدریس صورت نخواهد گرفت، مگر

این که معلم با فراگیرانش ارتباط برقرار کند. معلم خوب، در فرایند فعالیت‌های آموزشی باید بکوشد فراگیران خود را بشناسد؛ زیرا شناخت استعداد، توانایی، علایق و رغبت شاگردان می‌تواند او را در برقراری ارتباط و تدریس موفق کند.

تعریف آموزش (instruction)

به فعالیت‌های حرفه‌ای معلم، «آموزش» گفته می‌شود. براون و اتکینس معتقدند «آموزش» به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین معلم و یک یا چند فراگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد. دقت کنید که در این تعریف، بر آموزش به صورت فعالیت‌هایی که از سوی معلم طراحی می‌شوند و هدف آن‌ها یعنی سهولت بخشیدن یا کمک کردن به یادگیری فراگیرندگان، تأکید شده است. در واقع، معلم از راه آموزش، در تجارب یادگیری دانش‌آموزان دخل و تصرف می‌کند تا بر یادگیری آنان تأثیر بگذارد.

آموزش در مقایسه با تدریس:

هر چند بسیاری از افراد آموزش و تدریس را مترادف می‌دانند، با این حال آن‌ها را نمی‌توان دقیقاً هم‌معنا دانست. آموزش، علاوه بر فعالیت‌های کلاسی معلم که در حضور شاگردان انجام می‌شود، فعالیت‌های پیش از رفتن به کلاس یعنی طراحی آموزش و فعالیت‌های مربوط به طراحی و اجرای ارزش‌یابی را نیز شامل می‌شود. در مقابل تدریس را به کوشش‌های بین فردی برای کمک به فراگیرندگان در کسب دانش، فراگیری مهارت‌ها و درک توانمندی‌های خود می‌توان تعریف کرد. بنابر آن چه گذشت، می‌توان گفت که تدریس بخشی از آموزش است، اما تمامی آن نیست. هم‌چنین می‌توان گفت که تدریس وابسته به معلم است اما آموزش می‌تواند بدون معلم صورت پذیرد. برای تحقق یادگیری، یعنی ایجاد تغییر در رفتار شاگرد، باید برنامه‌ی هدفدار و منسجمی را پی‌ریزی کرد. به این برنامه‌ی هدفدار معلم، «تدریس» می‌گوییم. «تدریس» عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، براساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. بر این اساس می‌توان دو ویژگی مهم را در تدریس جست‌وجو کرد:

۱- وجود تعامل میان معلم و شاگرد

۲- هدفدار بودن فعالیت معلم.

بنابراین، اگر فعالیت معلم در کلاس به صورت رفتار متقابل و براساس هدف خاص صورت نگیرد، به هیچ وجه مفهوم تدریس به آن اطلاق نخواهد شد. ممکن است معلمی در کلاس درس

صحبت کرده یا تمرین حل کند، اما به مفهوم واقعی، تدریس نداشته باشد؛ زیرا به فعالیت‌های پراکنده و یک‌جانبه‌ی معلّم که هیچ گونه تغییری در شاگردان ایجاد نکند، تدریس گفته نمی‌شود.

برای ارائه‌ی تدریس مؤثر باید نخست معلّم طرح کلی درس را ترسیم کند تا فعالیت‌های آموزشی‌اش با آن طرح منطبق باشد. این طرح را «طرح درس» می‌گوییم. ارائه تدریس خوب و مؤثر نیازمند مهارت‌هایی است که به آن «مهارت‌های آموزشی» یا «مهارت‌های تدریس» گفته می‌شود. مهارت‌های تدریس با توجه به زمان اجرای فعالیت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- مهارت‌های آموزشی پیش از تدریس

۲- مهارت‌های آموزشی ضمن تدریس

۳- مهارت‌های آموزشی بعد از تدریس.

با توجه به این که تدریس، نوعی برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود که تابع اصول و مبانی طراحی و برنامه‌ریزی است، برای ارائه‌ی مناسب محتوای کتاب به دانش‌آموزان، فقط یک شیوه‌ی خاص وجود ندارد. چنانچه برنامه‌ی درسی به‌صورت منطقی و اصولی طراحی شده باشد، روش‌های تدریس مناسبی را نیز ایجاب می‌کند؛ از این رو بدین جهت، از همکاران ارجمند انتظار می‌رود محتوای هر درس را به گونه‌ای ارائه دهند که:

۱- مهارت‌های زبانی (گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن)، اعتماد به نفس، خلاقیت، روحیه‌ی پژوهش و کنجکاوی، روحیه‌ی استقلال و مهارت‌های روانی - حرکتی در دانش‌آموزان تقویت شود.

۲- دانش‌آموزان ضمن برخورداری از ذهنی خلاق و پویا، توانایی درک و خلق آثار هنری و ادبی را داشته باشند. تحقیقات آموزشی نشان داده است که به‌کارگیری روش‌های خاص در تدریس یک درس مؤثر نیست. بهتر است با توجه به ساختار و ماهیت برنامه‌ها و ضرورت‌های زندگی و نیازهای مخاطبان، از روش‌های موجود به صورت تلفیقی بهره گرفته شود.

روش‌های تلفیقی به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را در بحث‌ها و فعالیت‌های کلاسی در پاسخ به خودآزمایی‌ها درگیر و شریک کند. از یاد نبریم که وظیفه‌ی اصلی معلّم و برنامه‌ی درسی مناسب، عبارت است از فراهم کردن زمینه‌های رشد کامل، همه‌جانبه و دائمی دانش‌آموز و نیز کشف، پرورش و به ثمر رساندن استعداد‌های فردی که در یک جامعه‌ی آزاد، حائز اهمیت بسیار است. آزادسازی و به‌کمال رساندن نیروهای درونی دانش‌آموزان، هدف محوری آموزش و پرورش است و اعتلای شناخت فرد از خود، بزرگ‌ترین جلوه‌ی آن به‌شمار می‌آید.

نکات مهم در استفاده از طرح درس

- ۱- طرح درس الزاماً به معنای تقلید و استفاده‌ی محض از یک الگو نیست.
 - ۲- معلم باید تشخیص دهد که از کدام روش برای تدریس هر درس استفاده کند.
 - ۳- گاه فقط بخشی از یک الگوی تدریس را می‌توان در کلاس اجرا کرد.
 - ۴- از ترکیب این روش‌ها می‌توان روش‌های جدید خلق کرد و در کلاس به کار گرفت.
 - ۵- باید توجه داشت که ویژگی شخصی معلم در انتخاب و اجرای روش‌ها نیز مؤثر است.
 - ۶- موقعیت‌ها و شرایط گوناگون نیز در انتخاب روش تدریس مؤثرند.
- طرح درس (روش تدریس : هم‌خوانی - کار آیی تیم) : مراحل اجرا : کلاس باید به تیم‌های ۲ یا ۳ نفره‌ی ناهمگن تقسیم شود.
- ۱- روخوانی از درس به شکل انفرادی (۲ دقیقه)؛
 - ۲- هم‌خوانی شاگردان به همراه معلم از درس (۲ دقیقه)؛
 - ۳- رفع اشکال روخوانی از جانب معلم (۱ دقیقه)؛
 - ۴- شاگردان به طور انفرادی درس را مطالعه کنند تا خود به معنا و مفهوم درس پی ببرند (۱۵ دقیقه)؛
 - ۵- در گروه خود مشورت، تبادل نظر و هم‌فکری کرده و در پیدا کردن معانی جدید به هم کمک کنند (۱۰ دقیقه)؛
 - ۶- معلم اطلاعات ضروری را در اختیار شاگردان قرار می‌دهد و آن‌ها را در کشف معانی کمک و هدایت می‌کند (۳ دقیقه)؛
 - ۷- هم‌فکری مجدد در گروه و کسب نتیجه‌ی بهتر (۵ دقیقه)؛
 - ۸- شاگردان انفرادی به سؤالات آزمونی که در اختیارشان گذاشته شده است، پاسخ می‌دهند (۱۰ دقیقه)؛
 - ۹- شاگردان درمورد پاسخ آزمون با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند تا به پاسخ واحدی برای هر سؤال برسند (۵ دقیقه)؛
 - ۱۰- کلید آزمون در اختیار شاگردان قرار می‌گیرد و شاگردان نمره‌گذاری می‌کنند (۵ دقیقه)؛
 - ۱۱- معلم برای اطمینان از یادگیری شاگردان، در این مرحله ارزش‌یابی و جمع‌بندی درس را انجام می‌دهد و در صورت لزوم مطالب تکمیلی ارائه می‌دهد (۱۷ دقیقه).
- زمان تدریس با توجه به وضعیت کمی و کیفی کلاس تغییر خواهد کرد و معلم هر کلاس به تشخیص

خود، زمان را تنظیم می‌کند.

روش تدریس (طرح کارآیی تیم): در طرح «کارآیی تیم» دو فرضیه شکل می‌گیرد، اول این که دو فکر بیش‌تر از یک فکر است. هر شخص می‌تواند آن‌چه را که می‌داند برای دیگران توضیح دهد و همه می‌توانند از یکدیگر فراگیرند و دوم این که دانش‌آموزان شرکت فعال در یادگیری مشارکتی را بسیار انگیزاننده می‌یابند.

برای آمادگی و اجرای طرح، معلم قبل از شروع کلاس، ابزار یادگیری یعنی تکالیف قبل از کار (یک تکلیف خواندنی یا ارائه‌ی یک وسیله سمعی و بصری) و یک آزمون تلفیقی از انواع سؤالات (چندگزینه‌ای، تشریحی، تک پاسخ و...) را که محتوای درس مورد نظر را دربر دارد، آماده می‌کند و کلید آزمون را نیز جداگانه در برگه‌ای می‌نویسد. سپس دانش‌آموزان را در کلاس به تیم‌هایی با اعضای ناهمگن (تندآموز، کندآموز و میانی‌آموز) تقسیم می‌کند (کلاس با ۱۰ دانش‌آموز، پنج تیم با ۲ عضو خواهد داشت).

۱- هر یک از اعضای تیم، دانش خود را قبل از بحث تیمی ارزیابی می‌کند و تکلیف مشخص شده را به طور انفرادی می‌خواند.

۲- بعد از یک مرور اولیه، به سؤالات آزمون پاسخ می‌دهد. برای پاسخ به سؤال‌ها به متن رجوع کرده یا از منابع در دسترس استفاده می‌کند.

۳- اعضای تیم در مورد هر یک از پاسخ‌ها با یکدیگر بحث می‌کنند تا به توافق برسند. در ضمن بحث، اعضا گزینه‌ها و دلایل انتخاب خویش را ارائه می‌دهند. اولین کار در تیم یادگیری این است که اعضای تیم به یک مجموعه از پاسخ‌های مورد توافق درباره‌ی سؤال‌های همان آزمون برسند و این فرصت را پیدا کنند تا اطلاعات را رد و بدل کنند، دلایل خود را توضیح دهند و دلایل و شواهد دیگران را نیز ارزیابی کنند.

۴- در این مرحله، کلید سؤال در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و اعضای تیم، درک عمیقی از بهترین پاسخ به دست می‌آورند.

۵- اعضا پاسخ‌های فردی و تیمی را نمره‌گذاری و نمره‌ی مؤثر بودن یادگیری را محاسبه می‌کنند (قبلاً شیوه‌ی نمره‌گذاری به دانش‌آموزان آموخته می‌شود).

۶- از فراگیران جهت جمع‌بندی مطالب آموخته شده و هم‌چنین ارزش‌یابی تکوینی، سؤال می‌شود.

❖ در این‌جا به بیان بعضی از الگوهایی که به یادگیری دانش‌آموزان کمک مؤثری خواهد کرد؛

اشاره شده است:

۱- الگوی همیاری: این الگو را جان دیوئی مطرح و بعدها، افراد دیگری آن را تکمیل

کردند. همیاری یعنی «با هم کار کردن» و نیز در امر آموزش به «کار گروهی» دانش‌آموزان برای یادگیری گفته می‌شود. همیاری یک الگوی منظم یادگیری است که در آن، اعضای یک گروه (تیم) از طریق برقراری ارتباط‌های مستمر، مطالبی را از هم می‌آموزند. در این الگو، دانش‌آموزان فعالانه در امر یادگیری شرکت می‌کنند و انگیزه‌ی آن‌ها برای آموزش تقویت می‌شود.

تقسیم کردن دانش‌آموزان به گروه‌های چهار یا پنج نفره و هم‌اندیشی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که معلم در اختیار آنان گزارده، شکل ظاهری این روش است.

در روش همیاری، معلم درس را توضیح نمی‌دهد بلکه سؤالاتی را که از قبل آماده کرده است، بین دانش‌آموزان توزیع می‌کند. کار اصلی معلم در این روش، طرح کردن پرسش‌های مناسب است.

هر یک از اعضای گروه پیش از آغاز بحث و گفت‌وگو، میزان اطلاعات خود را درباره‌ی درس جدید ارزیابی می‌کند. آن‌گاه متن درس مطالعه می‌شود. سپس هر دانش‌آموز به سؤالاتی که در اختیار دارد، پاسخ می‌دهد. اعضای گروه آن قدر درباره‌ی پرسش‌ها بحث می‌کنند تا به توافق برسند.

معلم می‌تواند از تصویر، نمودار، فیلم و نوار استفاده و گروه‌ها را برای یافتن پاسخ‌های درست راهنمایی کند. در پایان، از دانسته‌ها و پاسخ‌های گروه‌ها آزمون به عمل می‌آید تا میزان یادگیری آن‌ها ارزیابی شود.

معلم در روش همیاری نباید انتظار کلاسی ساکت و بی‌همهمه را داشته باشد. شوخی و خنده‌های گاه‌گاهی، چاشنی طراوت کلاس است. بخشی از زمان یادگیری به نقد کارگروه‌ها اختصاص می‌یابد. از این طریق، اعضای گروه عملکرد و آموخته‌های خود را مرور می‌کنند. آن‌ها به این نکته پی می‌برند که چگونه می‌توانند در جلسات بعدی، عملکرد فردی و گروهی خود را بهبود بخشند.

۲- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده: اساس نظری الگوی پیش‌سازمان‌دهنده را نظریه‌ی معنادار

«آزوبل» تشکیل می‌دهد.

در این الگو، ساخت شناختی و تغییراتی که در اثر یادگیری در آن صورت می‌گیرد، زیر بنای اصلی یادگیری به‌شمار می‌رود. منظور از ساخت شناختی، مجموعه‌ی اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم‌های سازمان‌یافته‌ای است که دانش‌آموزان از قبل در درس‌های فارسی آموخته‌اند.

این الگو بر ارتباط مطالب جدید با آموخته‌های پیشین یادگیرنده تأکید می‌کند؛ بدین معنا که اگر مطالب جدید با مباحث قبلی موجود در ذهن دانش‌آموز به نحوی ارتباط نداشته باشد، یادگیری معنادار نخواهد بود و در ذهن دانش‌آموز جای نخواهد گرفت. الگوی پیش‌سازمان‌دهنده برای تقویت، تثبیت

و تعمیق ساخت‌های شناختی دانش‌آموزان تدوین شده است. قبل از این که مطالب جدید عرضه شود، باید بر پایداری و روشنی اطلاعات قبلی افزوده شود. هر یک از رشته‌های علمی ساختاری از مفاهیم دارد. این مفاهیم به صورت سلسله مراتب، سازمان‌دهی می‌شوند؛ به این ترتیب که در بالاترین سطح این ساختار، مفاهیم کلی، مجرد و گسترده و در سطوح پایین‌تر آن، مفاهیم جزئی‌تر و عینی‌تر قرار می‌گیرند. اگر ساختار درس زبان فارسی را به شکل یک هرم تصوّر کنیم، مفاهیم کلی در رأس و مفاهیم جزئی و عینی در قاعده‌ی آن جای می‌گیرند.

با این روش، از کل به جزء یا از مفاهیم به مصداق می‌رسند (قیاس).



ساخت شناختی فرد از زبان فارسی

وقتی مطالب درس جدید، وارد ساخت شناختی می‌شوند، هر یک از آن‌ها در خود و در زیر مطالب جامع و کلی قرار می‌گیرد. اگر مطلبی با مفاهیم قبلی پیوند نداشته باشد، معنادار نخواهد بود. تکیه بر آموخته‌های قبلی دانش‌آموز، تدریس درس جدید را تضمین می‌کند. در این روش، معلّم باید به‌طور مداوم در تدریس هر یک از درس‌های زبان فارسی به سازمان‌دهی اطلاعات بپردازد تا از پراکندگی اطلاعات ورودی به ذهن دانش‌آموز جلوگیری شود.

اهداف برنامه‌ی درسی

هر برنامه‌ی درسی در پی دستیابی به مقاصدی است که آن‌ها را «اهداف آموزشی» می‌نامند.

شناخت دقیق این اهداف در به کارگیری شیوه‌ها، وسایل و امکانات، برای تحقق آن‌ها ضرورت دارد.^۱ از هدف‌های آموزشی طبقه‌بندی‌های متعددی به عمل آمده است.^۲ آگاهی از این طبقه‌بندی‌ها معلّم را با سطوح مختلف یادگیری آشنا می‌سازد و او را یاری می‌دهد تا هدف‌های آموزشی درس مورد نظر را متنوع‌تر تهیه و از تکرار هدف‌هایی که به نوع خاصی از یادگیری یا سطح معینی از آن محدود می‌شود، جلوگیری کند.

یکی از مشهورترین طبقه‌بندی‌های اهداف آموزشی را «بنجامین بلوم» و همکاران او در سال ۱۹۵۶ میلادی ارائه دادند. در این طبقه‌بندی، هدف‌های آموزشی به سه حوزه یا حیطه‌ی شناختی (دانش)، عاطفی (نگرش) و روانی – حرکتی (مهارت) تقسیم شده است.

حوزه‌ی شناختی، معلومات، دانش و مهارت‌های ذهنی را دربر می‌گیرد. حوزه‌ی عاطفی، با علاقه، انگیزش و نگرش فرد سرو کار دارد و حوزه‌ی روانی – حرکتی، به فعالیت‌ها و مهارت‌هایی که هم جنبه‌ی روانی و ذهنی و هم جنبه‌ی جسمانی دارند، مربوط می‌شود؛ مثل نوشتن، تایپ کردن، نواختن موسیقی، ورزش، انجام حرفه‌های گوناگون و... در زیر، طبقه‌بندی حوزه‌های سه‌گانه‌ی فوق را بیش‌تر توضیح می‌دهیم.

۱- حیطه‌ی شناختی (دانش)

بلوم حیطه‌ی شناختی را به شش مرحله تقسیم می‌کند که هر مرحله، مقدّمه‌ای برای تحقق مرحله‌ی بعد است. ضمن نام بردن از هر مرحله و ارائه‌ی توضیح مختصری درباره‌ی آن، برای هر یک مثالی از زبان فارسی ذکر می‌شود:

الف – دانش (knowledge): دانش شامل یادآوری یا حفظ و بازشناسی امور جزئی و کلی، روش‌ها و فرایندها، الگوها، ساخت‌ها یا موقعیت‌هاست؛ مثال:

– نام بردن انواع وابسته‌های پیشین

– نام بردن ویژگی‌های فعل.

ب – فهمیدن یا فراگیری (comprehension): فهمیدن یعنی درک مطالب؛ فرد از این طریق درمی‌یابد که هدف اصلی مطلب مورد نظر چیست؛ بدون این که به ربط دادن آن مطلب به مطلب

۱- اهداف کلی برنامه در سه حیطه‌ی دانش، نگرش و مهارت به تفصیل در مجله‌ی رشد ادب فارسی، شماره‌ی ۴۳، تابستان ۱۳۷۶ درج شده است. علاقه‌مندان می‌توانند به این منبع مراجعه کنند. گزیده‌ای از این هدف‌ها در ابتدای کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی متوسطه آمده است.

۲- برای آگاهی از این طبقه‌بندی‌ها رجوع کنید به: روان‌شناسی پرورشی نوین، تألیف دکتر علی اکبر سیف، نشر دوران، ویرایش ششم، سال ۱۳۸۶، فصل ۱۶، صص ۴۶۶-۴۴۸.

دیگر نیازی باشد؛ مثال :

– توانایی بیان ویژگی‌های نگارش ادبی

– توانایی بیان ویژگی‌های فعل (با ذکر مثال).

پ – **کار بستن یا کاربرد (Application)** : استفاده از مطالب انتزاعی (اندیشه‌های کلی،

قواعد اجرایی، روش‌های کلی) در موقعیت‌های خاص عینی؛ مثال :

– توانایی استفاده از گروه قیدی در یک نوشته

– توانایی پدید آوردن یک جمله‌ی توصیفی.

ت – **تجزیه و تحلیل (Analysis)** : تجزیه‌ی یک تعریف یا توصیف یا استدلال به اجزا و

عناصر تشکیل دهنده‌ی آن، مثال :

– توانایی تشخیص اجزای تشکیل دهنده‌ی جمله

– توانایی تشخیص گروه اسمی از دیگر گروه‌ها

– توانایی تشخیص ویژگی‌های توصیف در یک نوشته‌ی توصیفی.

ث – **ترکیب (Synthesis)** : کنار هم گذاشتن عناصر و اجزای لازم برای ایجاد یک پیکره و

تولید طرح یا ساختی که قبلاً بدین شکل وجود نداشته است؛ مثال :

– توانایی نگارش یک مقاله به روش مقایسه

– توانایی خلاصه‌نویسی یک داستان

– توانایی تولید یک نوشته‌ی توصیفی درباره‌ی پدیده‌های مشخص.

ج – **ارزش‌گذاری یا ارزیابی (Evaluation)** : داوری درباره‌ی ارزش مطالب و موضوعات

برای مقاصد معین؛ مثال :

– توانایی داوری درباره‌ی دو نوع نگارش (علمی و ادبی) و ارزش‌گذاری آن‌ها (با توجه

به مطالب درس یا کتاب ادبیات)

– توانایی تشخیص اشکالات نگارشی هم کلاس‌های خود (با توجه به آموخته‌های ویرایشی).

۲- **حیطه‌ی عاطفی (نگرش)**

الف – **دریافت کردن (توجه کردن) (Receiving)** : تأکید بر این که یاد گیرنده باید مایل

به پذیرفتن یا توجه کردن به پدیده‌ها یا محرک‌های یادگیری باشد؛

مثال :

– توجه دقیق به صحبت دیگران (معلم و دیگر دانش‌آموزان)

— ایجاد علاقه به زبان و ادبیات فارسی از سوی معلّم و توجّه به ارزش‌های آن دو از طرف دانش‌آموز.

ب — پاسخ دادن (Responding) : در این مرحله، یادگیرنده علاوه بر توجّه کردن به پدیده‌ها یا محرک‌ها، به آن چه می‌بیند یا می‌شنود، پاسخ می‌دهد؛
مثال :

— مشارکت در پاسخ دادن به فعالیت‌ها و خودآزمایی‌های هر درس
— پذیرش مسئولیت تهیه چند کتاب در زمینه‌ی خاطره نویسی.
پ — ارزش‌گذاری (Valuing) : در این سطح از طبقه‌بندی، یادگیرنده مطلبی را بر مطلب دیگر ترجیح می‌دهد و حتّی ممکن است نسبت به آن نوعی تعهد احساس کند؛
مثال :

— ترجیح قسمت نگارش کتاب بر قسمت دستور و احساس رضایت از آن
— احساس تعهد در برابر مسائل زبانی و ادبی.
ت — سازمان‌دهی ارزش‌ها (Organization of value) : معنای این طبقه آن است که یادگیرنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها را معین می‌سازد؛
مثال :

— کوشش در جهت تشخیص ویژگی‌های نوشته‌های توصیفی
— تأکید بر اهمیت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مطالعاتی در گسترش زبان و ادبیات فارسی.
ث — برجسته شدن ارزش‌ها در رفتار دانش‌آموز — (value by characterization complex or) : در این مرحله، یادگیرنده طبق ارزش‌های خود به نحوی عمل می‌کند که رفتارشان دهنده‌ی شخصیت، جهان‌بینی و نگرش مخصوص اوست؛
مثال :

— داشتن نگرش مثبت نسبت به حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۳ — حیطه‌ی روانی — حرکتی (مهارت)
الف — حرکات کلی بدنی : فعالیت‌های این طبقه مستلزم هماهنگی بین چشم و گوش و هدف‌های کلی آن، یعنی نیرومندی، سرعت و دقّت در حرکات است؛
مثال :

— توانایی در بحث‌های کلاسی.

ب — حرکات هماهنگ ظریف : الگو یا مراحل از حرکات هماهنگ که معمولاً مستلزم همکاری چشم یا گوش با سایر اعضای بدن است؛
مثال :

— یادداشت برداری از سخنان معلّم یا دانش آموزان دیگر.

پ — رفتارهای ارتباطی غیرکلامی : انتقال پیام به گیرندگان بدون استفاده از جمله یا واژه؛
این رفتارها اغلب در سخنرانی، نمایش و سایر فعالیت های هنری — اجتماعی، دیده می شوند؛
مثال :

— اجرای یک پانتومیم (نمایش بدون کلام)

— بیان مقصود با حرکات سر و دست و شانه ها (استفاده از نمود حرکتی به جای نمود آوایی).

ت — ارتباط کلامی : بیان مقصود با استفاده از واژه ها و جمله های واضح، دقیق و ساده؛
مثال :

— نوشتن شرح حال خود و خواندن آن در کلاس

— خواندن یک متن ادبی یا قطعه شعری در حضور دوستان یا در یک همایش ادبی

— ایراد سخنرانی در کلاس یا مدرسه

— توانایی بحث و گفت و گو درباره ی پدیده ی زبان.

مهارت های زبانی، یعنی گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن، به این حیطه (روانی — حرکتی) مربوط می شوند.

روش های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب

هرچند که هدف اصلی آموزش معلّم، افزایش دادن رفتارهای مطلوب دانش آموزان و ایجاد رفتارها، مهارت ها و توانایی های تازه و فضایل پسندیده در آنان است، کاهش و حذف رفتار و اخلاق ناپسند یادگیرندگان نیز از جمله وظایف مهم معلّمان و پرورشکاران به شمار می آید.

مسائل انضباطی دانش آموزان در کلاس و محیط آموزشگاه از جمله مسائلی اند که برای مسئولان آموزشگاه نگرانی های عمده ای ایجاد می کند و وقت زیادی از آنان را به خود اختصاص می دهد. بعضی اوقات مسائل انضباطی به درجه ای از شدّت و خامت می رسند که بخش اعظم اوقات آموزشی معلّمان صرف حل و فصل آن ها می شود. در این قسمت، روش هایی از تغییر رفتار را که بیش تر به مسائل انضباطی مربوط می شوند و برای برطرف کردن و کاستن رفتارهای نامطلوب دانش آموزان و

رفع عادت‌های ناپسند آن‌ها تهیه و تدوین شده‌اند، معرفی می‌کنیم.

رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان را از دو راه می‌توان کاهش داد؛ یکی، جانشین ساختن رفتارهای مطلوب به جای آن‌ها و کاهش دادن غیرمستقیم رفتارهای نامطلوب. و دیگری، کاهش دادن مستقیم رفتارهای نامطلوب. به روش‌هایی که در مورد اول به کار می‌روند، «روش‌های مثبت کاهش رفتار» می‌گویند زیرا در همه‌ی آن‌ها از اصل تقویت مثبت استفاده می‌شود. روش‌هایی که در مورد دوم به کار می‌روند، «روش‌های منفی کاهش رفتار» نام دارند؛ زیرا این روش‌ها حالت آزارنده دارند و چنان که خواهیم دید، پیامدهای منفی به بار می‌آورند.

روش‌های مثبت کاهش رفتار

تقویت تفکیکی رفتارهای با نرخ کم: بعضی از رفتارها اگر با فراوانی یا نرخ کم انجام شوند، مطلوب‌اند اما اگر به میزان بیش از حد نیاز انجام گیرند، نامطلوب یا مضرند. دانش‌آموزی که با سرعت خیلی زیاد تکالیفش را انجام می‌دهد و در نتیجه، آن‌ها را بدخط و ناخوانا می‌نویسد باید وادار شود تا آهسته و خوش خط بنویسد یا دانش‌آموزی که در بحث کلاسی پر حرفی می‌کند و فرصت صحبت کردن را از دیگران می‌گیرد باید تقویت شود که کم‌تر حرف بزند تا دیگران هم بتوانند در بحث شرکت کنند.

در روش تقویت تفکیکی رفتارهای با نرخ کم، تقویت به پاسخ‌هایی که به تعداد کم‌تری انجام می‌شوند وابسته است. برای این منظور، تعیین می‌کنیم که دانش‌آموز در فاصله‌ی زمانی معین، چند پاسخ باید بدهد. اگر تعداد پاسخ‌های دانش‌آموزان در این فاصله‌ی زمانی بیش از آن چه تعیین شده است باشد، نباید او را تقویت کرد؛ برای مثال، اگر معلم بخواهد پرحرفی دانش‌آموزی را در جریان بحث گروهی کاهش دهد، می‌تواند با او قرار بگذارد که در هر پنج دقیقه فقط یک دقیقه اجازه‌ی صحبت خواهد داشت. معلم باید این مقدار – نه بیش از آن – صحبت کردن دانش‌آموز را تقویت کند. البته معلم باید مواظب باشد که حتماً میزان معینی از حرف زدن دانش‌آموز را برای ادامه‌ی مشارکت او در بحث تقویت کرده، او را از انجام کار به کلی دل‌سرد نکند.

در روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر، هرگونه رفتار مطلوب فرد، به جز رفتار نامطلوبی که قصد حذف آن را داریم، تقویت می‌شود. این روش نیز یکی دیگر از روش‌های مثبت کاهش رفتار است؛ زیرا عنصر اصلی آن، تقویت مثبت است؛ برای مثال، می‌خواهیم رفتار نامطلوب دانش‌آموزی که در کلاس اکثر وقتش را خارج از صندلی خود و به بازیگوشی و صحبت با این و آن می‌گذارد، با استفاده از این روش، اصلاح کنیم؛ برای این منظور، باید همه‌ی رفتارهای مطلوب او از جمله گوش دادن به حرفه‌ای معلم، سؤال کردن از معلم، نوشتن مطالب درسی و رسم نقاشی (به جز ترک

کردن صندلی) را مورد تقویت قرار دهیم.

از آن جا که روش تقویت رفتارهای دیگر به حذف رفتار نامطلوب فرد منجر می‌شود، به آن روش «حذف‌آموزی» نیز می‌گویند. در روش حذف‌آموزی تقویت وابسته است به انجام ندادن (حذف) رفتار نامطلوب، نه انجام دادن آن.

تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز: در روش تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز، از طریق تقویت نکردن رفتار نامطلوب و تقویت کردن رفتاری که با آن ناهمساز یا مغایر است، به کاهش رفتار نامطلوب اقدام می‌شود. این روش خیلی شبیه به روش قبلی است و تنها تفاوت آن در این است که در روش قبلی، هرگونه رفتاری به جز رفتار نامطلوب تقویت می‌شود اما در روش حاضر، تأکید بر رفتار مغایر یا ناهمساز با رفتار نامطلوب است؛ برای مثال، دانش‌آموزی را در نظر بگیرید که در کلاس مزاحم هم کلاسی‌هایش می‌شود و کم‌تر به درس و کار خود می‌رسد. می‌خواهیم با روش تقویت رفتار ناهمساز رفتار او را اصلاح کنیم؛ برای این منظور، هر وقت که این دانش‌آموز آرام در صندلی خود می‌نشیند و به انجام کار خود می‌پردازد و کاری به دانش‌آموزان دیگر ندارد، او را تقویت می‌کنیم. این تقویت سبب افزایش رفتار مطلوب در دانش‌آموز و کم شدن مزاحمت‌های او برای دانش‌آموزان دیگر خواهد شد. در این جا به مثالی دیگر از کاربرد روش تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز توجه کنید؛ اگر بخواهیم کودک گوشه‌گیری را وادار کنیم که از این رفتار خود دست بکشد و با کودکان هم سن خود به فعالیت بپردازد، باید هر گونه کوشش او را در جهت فعالیت گروهی و آمیزش با سایر کودکان تقویت کنیم.

روش‌های منفی کاهش رفتار

روش‌های مورد بحث در این قسمت، برخلاف روش‌های قسمت قبل، از تقویت مثبت استفاده نمی‌کنند و به طور غیرمستقیم رفتار نامطلوب را کاهش نمی‌دهند، بلکه این روش‌ها مستقیماً از طریق اعمال شیوه‌های کم و بیش آزارنده موجب کاهش و حذف رفتار نامطلوب می‌شوند؛ به همین سبب، ما آن‌ها را روش‌های منفی کاهش رفتار نامیده‌ایم. هر چند که فقط یکی از این روش‌ها تنبیه نام دارد، اما از آن جا که همه‌ی روش‌های منفی کاهش رفتار از لحاظ خاصیت انزجاری که دارند شبیه به تنبیه‌اند، معمول بر این است که همه‌ی آن‌ها را روش‌های تنبیهی بنامند. از همین اظهارات مقدماتی، چنین برمی‌آید که ما استفاده از این روش‌ها را توصیه نمی‌کنیم و باور قطعی داریم که چنان چه می‌توان با روش‌های مثبت کاهش رفتار همان کاری را کرد که با روش‌های منفی صورت می‌پذیرد، تا حد امکان باید از کاربرد روش‌های منفی دوری گزید.